



## درک دانشجویان دانشگاه تهران از تعاملات غیررسمی

مؤگان خوشنام<sup>۱</sup>، مسعود کوثری<sup>۲</sup>، مقصود فراستخواه<sup>۳</sup>

دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۳

### چکیده

دانشجویان، تعاملات و ارتباطاتی فراتر از کلاس درس و نظام رسمی دانشگاه دارند که به‌طور غیررسمی وجود دارد و بخش زیادی از وقت دانشجویان را در طول دوران تحصیل به خود اختصاص می‌دهد. آنچه مهم است، درک دانشجو و فهم معانی ذهنی از تعاملات دوران دانشجویی است که کشف آن به کاهش شکاف موجود میان این قشر و مسئولان دانشگاه و آموزش عالی کمک می‌کند و از طریق آن می‌توان لایه‌های پنهان زندگی دانشجویان را شناخت و بر مبنای آن سیاست‌گذاری کرد. در این مقاله خلاصه زندگی دانشجویی ادراک‌شده، معناشده، و تجربه‌شده را در خلال این تعاملات دنبال خواهیم کرد. در این راستا با ۵۲ دانشجوی دانشگاه تهران از دانشکده‌ها و رشته‌های مختلف مصاحبه عمیق پدیدارشناسی انجام شد. پس از تقلیل، کدگذاری، و تحلیل یافته‌های مصاحبه، به تغییر الگوی زیست دانشجو رسیدیم؛ به این معنا که دانشجو در طول تعاملات غیررسمی و گذراندن اوقات زیادی از دوران دانشجویی خود با دوستان در موارد گوناگون به تغییراتی در زیست دانشجویی خود رسیده است؛ از جمله تغییر الگوی ارتباطات انسانی، تغییر سبک‌های دین‌داری، تغییر الگوی اوقات فراغت، افزایش توانمندی‌های فردی، نگرش جنسیتی، تغییر الگوهای تحصیلی، تغییر نگرش و جهان‌بینی، حس مثبت فردی، حمایت و تعلق خاطر گروهی، جبران، تغییر در انگیزه مشارکت اجتماعی، تغییر در فرایند اجتماعی‌شدن و نظام هنجاری.

**کلیدواژه‌ها:** زیست‌جهان، دانشجو، تعاملات غیررسمی، پدیدارشناسی

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

[m.khoshnam.p85@gmail.com](mailto:m.khoshnam.p85@gmail.com)

۲. دانشیار ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

[mkousari@ut.ac.ir](mailto:mkousari@ut.ac.ir)

۳. دانشیار برنامه‌ریزی آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران.

[maghsoodf@gmail.com](mailto:maghsoodf@gmail.com)

## مقدمه

اهمیت دانشجوی به‌عنوان نقطه کانونی بحث ما، دست‌کم از نگاه نسل بزرگسال و برنامه‌ریز جامعه، یک واقعیت است، زیرا دانشجویان در آینده به گروه‌های متخصص و مرجع سایر مردم تبدیل می‌شوند و بنابراین، توجه به آن‌ها و شناخت زیست‌جهانشان اهمیت فراوانی دارد. شناخت ویژگی‌ها، نیازها و خواسته‌ها، منابع معرفتی، و ابعاد هویتی آن‌ها به برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران حوزه آموزش عالی کمک می‌کند تا برنامه‌ریزی‌ها، راهبردها و خط‌مشی‌هایی را که برای آنان طراحی می‌کنند، آگاهانه و معطوف به نتیجه مثبت باشد، زیرا بدون شناخت عمیق زیست‌جهان فرهنگی و ابعاد هویتی دانشجویان، بسیاری از برنامه‌ریزی‌های آموزشی، فرهنگی، و تبلیغی نه تنها نتیجه مثبتی نخواهند داشت، بلکه عاملی برای موضع‌گیری و مقابله خواهند بود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸، ۴۲).

دانشجویان، تعاملات و ارتباطاتی فراتر از کلاس درس و نظام رسمی دانشگاه دارند که اغلب به آن‌ها توجه نشده و نه تنها نظام دانشگاه، بلکه حتی ممکن است استادان نیز از این نوع تعاملات میان دانشجویان که به‌طور غیررسمی وجود دارد و بسیاری از اوقات دانشجویان را در طول دوران تحصیل پر می‌کند، اطلاع نداشته باشند؛ تعاملاتی که موضوعات گوناگونی دارند و گاهی دارای جنبه‌های مفید و کاربردی برای دوران تحصیل دانشجویان و گاهی نیز آسیب‌زا هستند. آنچه مهم است، فهم معانی ذهنی دانشجویان از این تعاملات در دوران دانشجویی است. تجربه زیسته نویسنده و ده سال متوالی دانشجوی بودن، و ورود به برخی تعاملات دانشجویی که گاهی آن‌ها را سرمایه‌های اصلی دوران دانشجویی خود می‌دانستیم و به‌وسیله آن‌ها کسب هویت می‌کردیم و کسب علم و استفاده از نظام رسمی دانشگاه را در اولویت دوم قرار می‌دادیم، سبب شده است که همواره این دغدغه و پرسش ذهنی مطرح باشد که نظام رسمی دانشگاه تا چه حد از چند و چون تعاملات میان دانشجویان آگاهی دارد و آیا با آن‌ها همدلی می‌کند، یا برعکس، نگاه منفی‌ای به این جمع‌های دانشجویی دارد. برای پاسخ‌گویی به این دغدغه‌ها، دانشگاه تهران را به‌عنوان دانشگاه جامع کشور انتخاب کردیم؛ بنابراین، مقاله حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که چه معنایی از تعاملات غیررسمی دانشجویی در ذهن دانشجویان دانشگاه تهران وجود دارد؟



## ۱. پیشینه پژوهش

زندگی دانشجویی و فرایند کنش‌ها و بازتولید معانی در آن، فراتر از سطحی می‌رود که معمولاً در سازمان رسمی یا برنامه‌های رسمی دانشگاهی تعریف شده است. دانشجویان در این زیست‌جهان، علاوه بر علایق شناختی از نوع فنی، علایق شناختی دیگری از نوع ارتباطی و رهاسازی را نشان می‌دهند (هابرماس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). دانشجویان از طریق اقامت در دانشگاه و خوابگاه‌های دانشجویی، به تولید روابط اجتماعی تازه‌ای می‌پردازند. در گروه‌های قومی، ورزشی، هنری، علمی، اجتماعی، و سیاسی شرکت می‌کنند (فراستخواه، ۱۳۸۳، ۹۲)، هویت‌های متفاوتی را تجربه می‌کنند (چیکرینگ و ریزر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳، ۷۲)، شخصیت آن‌ها در بحبوحه تعاملات تازه‌ای که دارند، شکل می‌گیرد (ایوانز و همکاران<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸، ۵۰)، مهارت‌ها و سبک زندگی آن‌ها متحول می‌شود (پاسکارلا و ترنزینی<sup>۴</sup>، ۱۹۹۱، ۴۳-۳۴)، و شایستگی‌های کنونی‌ای همچون تفکر انتقادی، حل مسئله، کار گروهی، فهم فرهنگی، شناخت زمینه‌های اجتماعی، و تعهد و اخلاق حرفه‌ای در آن‌ها ارتقا پیدا می‌کند (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۰، ۷۱). زندگی دانشجویی، بازتابی از حس هویت، الگوهای متمایز رفتاری، آرمان‌خواهی‌ها، کنجکاوی‌ها، هم‌کنشی‌ها، و خرده‌فرهنگ‌های دانشجویان در تجربه زیسته تازه‌ای است که با ورود به دانشگاه به دست می‌آورند (سلین<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹؛ واتکینز<sup>۶</sup>، ۱۹۹۲؛ فراستخواه، ۱۳۸۸، ۱۲۵).

لیتل جان<sup>۷</sup>، «ارتباط» را این‌گونه تعریف کرده است: «ارتباط، جریانی است که از طریق آن دو یا چند عامل فعل و انفعالی، به‌گونه‌ای درگیر می‌شوند که امکان ردوبدل کردن پیام‌ها و رمزها به شکل انعطاف‌پذیر فراهم شود تا هدفی برآورده شود» (هندریکسون و همکاران، ۱۳۹۵، ۸۴). در اجتماع‌های علمی یا در فرایندهای آموزشی دانشگاه‌ها، این روابط به دو جنبه رسمی و غیررسمی، نهادین و اولیه، تقسیم‌بندی می‌شوند. روابط رسمی، جنبه آموزشی، پژوهشی، و

1. Habermas
2. Chickering and Reisser
3. Evans
4. Pascarella and Terenzini
5. Thelin
6. Watkins
7. Littel John





علمی دارد (مانند همکاری‌های پژوهشی) و روابط غیررسمی، جنبه عادی مناسبات افراد را تشکیل می‌دهند (مانند دوستی‌ها، مسافرت‌ها، و رفت‌وآمدهای غیرشغلی). به‌طورکلی، ارتباطات و تعاملات غیررسمی، آن‌دسته از روابط دوستانه و جمعی است که دانشجویان در دانشگاه به‌طور غیررسمی و فراتر از نظام رسمی آموزشی دانشگاه به آن وارد می‌شوند که می‌تواند جنبه آموزشی و یادگیری، یا زمینه فرهنگی، اجتماعی، هنری، و... داشته باشد. دانشجویان، این تعاملات غیررسمی را «اکیپ‌های دانشجویی» یا «گعده‌های دوستانه» می‌نامند. ارتباطات نهادین به‌صورت نارویاروی و ارتباطات اولیه از طریق روابط چهره‌به‌چهره و شخصی صورت می‌گیرد (قانع‌راد و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۸۹، ۱۲).

قانع‌راد در کتاب «تعاملات و ارتباطات در اجتماع علمی» (۱۳۸۵) اشاره می‌کند که کارهای جمعی دانشجویان به ترویج تفکر انتقادی در بین آن‌ها می‌انجامد و امکان گسترش روحیه تساهل و تحمل عقیده مخالف را از طریق آشنایی با قرائت‌های مختلف از مسئله‌ای معین در حوزه‌های گوناگون علمی، سیاسی، و دینی فراهم می‌کند. پیدایش حس مشارکت، هم‌زیستی، رعایت حقوق یکدیگر، همکاری، و مسئولیت‌پذیری از دیگر پیامدهای مثبت فعالیت‌های جمعی است. در این دیدگاه، فعالیت‌های فوق‌برنامه، بخش مهمی از تجربه آموزش عالی را تشکیل می‌دهند و فرهنگ دانشگاهی، فراتر از کلاس درس می‌رود.

قانع‌راد و ابراهیم‌آبادی (۱۳۸۹) در پژوهش دیگری بیان می‌کنند که ریشه هر نوع تفاهم و تعارضی را می‌توان در کمیت و کیفیت تعاملات و ارتباطات انسانی جست‌وجو کرد. به‌نظر می‌رسد، براساس تجربیات و دانش موجود، کیفیت رابطه تعاملی دانشجویان با محیط انسانی دانشگاه، دست‌کم می‌تواند از طریق ایجاد اعتمادبه‌نفس و افزایش انگیزش بر یادگیری و عملکرد دوران دانشجویی و حتی جهت‌گیری‌های علمی و اجتماعی دانشجویان پس از فراغت از تحصیل، تأثیرات سازنده‌ای داشته باشد.

ذاکر صالحی (۱۳۹۳) بر این نظر است که در بین دانشجویان، تمایل به ایجاد فضاهای غیررسمی مستقل مشاهده نمی‌شود و آنان بیشتر شبیه یک گروه تماشاچی و منفعل هستند.

ذکایی (۱۳۹۰) نیز در یافته‌های پژوهش کیفی خود به این نتیجه رسیده است که عموم دانشجویان، دست‌آورد تحصیلات دانشگاهی را یافتن دوستان جدید می‌دانند و دانشجویان کارشناسی، بالاترین تغییر ایجادشده در رفتار و نگرش‌های خود پس از ورود به دانشگاه را

اجتماعی شدن، آشنایی با سایر اقوام و فرهنگ‌ها، و... می‌دانند. همچنین، برقراری تعامل‌های آموزشی و پژوهشی بیشتر، ارتقای ارتباط عاطفی و صمیمانه میان استادان و دانشجویان، و انعطاف‌پذیری استادان و سازمان دانشگاه در برخورد با خرده‌فرهنگ‌های مختلف دانشجویی از راه‌های کاهش بیگانگی تحصیلی-آموزشی دانشجویان هستند.

ابراهیمی (۱۳۹۴) در پژوهش خود پس از مشخص کردن خلأ موجود در روابط گروهی و جمعی در دانشگاه، پیشنهاد می‌کند که تشکل، انجمن، و نشست رسمی و غیررسمی اعضای جامعه دانشگاهی برای فرهنگ‌سازی و رواج همکاری و مشارکت بین اعضا شکل بگیرد.

مرشدی (۱۳۸۷) در پژوهشی بیان می‌کند که دانشگاه، محیطی است برای کسب تجربه‌های جدید از جمله آشنایی با فرهنگ‌ها، زبان‌ها و اندیشه‌ها، افزایش شناخت و ارتباط با جنس مخالف، تقویت توانمندی‌های ارتباطی و مدیریتی خود، و انجام فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی؛ بنابراین، می‌توان گفت، در درون زیست‌جهان علمی که درون محیط دانشگاه شکل گرفته و همه دانشجویان به آن تعلق دارند، خرده‌زیست‌جهان‌هایی نیز شکل می‌گیرند که دچار پراکندگی و عدم انسجام هستند و می‌توان آن‌ها را در روابط غیررسمی دانشجویان در دانشگاه و خوابگاه مشاهده کرد.

بنابر دیدگاه جانسن و همکاران (۱۹۹۸؛ ۱۹۹۳) براساس ادبیات یادگیری تعاملی، همکاری و تعامل در فرایندهای آموزشی و یادگیری، بر عملکرد و موفقیت دانشجویان تأثیر می‌گذارد. این سبک یادگیری، از طریق گسترش روابط بین‌شخصی، درک و تفاهم بیشتری بین دانشجویان ایجاد می‌کند و این امر به رضایت‌خاطر بیشتر و وابستگی متقابل مثبت بین افراد و انتظار تعامل مثبت و سازنده در آینده می‌انجامد. با مثبت‌تر شدن روابط، میزان بهره‌وری، احساس تعهد و مسئولیت شخصی برای انجام تکالیف مشترک، و تعهد به موفقیت همکاران، افزایش می‌یابد (قانع‌راد، ۱۳۸۵، ۱۱۲).

## ۲. روش پژوهش

در این پژوهش از روش کیفی مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسانه استفاده شده و تلاش کرده‌ایم با بهره‌گیری از مصاحبه‌های عمیق، معنای ذهنی افراد را در خلال تعاملات علمی و اجتماعی فرهنگی‌شان با سایر دانشجویان درک کنیم. در مصاحبه‌ها از پرسش‌های باز استفاده





شده است که این امکان را به شرکت کنندگان می‌دهد که پاسخ‌های دقیق و منحصر به فردی که برآمده از جهان بینی و احساسات آن‌ها است به پرسش‌ها بدهند. تعداد ۵۲ مصاحبه عمیق پدیدار شناختی با دانشجویان دانشگاه تهران به‌عنوان دانشگاه جامع کشور از طیف‌ها، گروه‌ها، و دسته‌بندی‌های گوناگون دانشجویان در فضای دوستانه و غیررسمی انجام شده است تا نمونه با حداکثر نوسان انتخاب شود (پاتون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲)، یعنی انتخاب مواردی با بیشترین تفاوت ممکن تا از این طریق، دامنه نوسان و تفاوت در میدان، آشکار شود (فلیک، ۱۳۸۷، ۱۴۳). در این راستا، نمونه هدفمندی با رعایت تنوع از دانشجویان دانشکده‌های مختلف فنی-مهندسی، علوم اجتماعی، هنرهای زیبا، مدیریت، ادبیات و علوم انسانی، علوم پایه، حقوق و علوم سیاسی، از میان دانشجویان دختر و پسر ساکن تهران یا ساکن خوابگاه و به‌لحاظ تیپ ظاهری، سبک زندگی، و مذهبی و غیرمذهبی بودن انتخاب شده‌اند. تمام افراد نمونه از میان دانشجویان دوره کارشناسی به‌عنوان افرادی که به‌طور معمول به‌دلیل داشتن فراغت بیشتر و تعداد واحدهای درسی بیشتر، زمان زیادتری را در محیط دانشگاه می‌گذرانند و از نظر پژوهشگران می‌توانند خرد، تخیل، و خلاقیت خود را به‌خوبی پرورش دهند و فرهنگ دانشگاه را پر بار کنند (چن و تیان<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲، ۶۲) انتخاب شدند. ۲۹ نفر از این افراد، پسر، و ۲۳ نفر، دختر بودند. با ۲۹ دانشجوی تهرانی و ۲۳ دانشجوی غیر تهرانی که در خوابگاه یا منزل شخصی ساکن بودند، مصاحبه شد. پراکندگی سنی دانشجویان از ۱۸ تا ۳۰ سال بوده است. پس از پیاده‌سازی و کدگذاری مصاحبه‌های انجام‌شده، با ۱۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان، دوباره گفت‌وگوهایی به‌صورت پنل انجام شد تا یافته‌ها را با آن‌ها در میان گذاشته و نظرات موافق، مخالف، و تکمیلی آن‌ها را در این باره به‌دست آوریم. سپس، پژوهشگر از طریق چندین مرحله تقلیل داده، در نهایت، توصیفی در مورد آن پدیده ارائه می‌دهد که میان همه افراد مورد مطالعه مشترک باشد، یعنی همان ذات تجربه (کرسول، ۱۳۹۱، ۱۲۲).

### ۳. یافته‌های پژوهش

پس از آنکه با ۵۲ دانشجوی دانشگاه تهران که همگی تجربه مشترک عضویت در اکیپ‌ها، حلقه‌ها، گروه‌ها، و گعده‌های دانشجویی داشتند و به تعاملات غیررسمی و خارج از حیطه

1. Patton, M.Q

2. Xi shen and Xianghong Tian

رسمی دانشگاه می‌پردازند مصاحبه عمیق پدیدارشناختی انجام شد، اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها و در واقع، «تجربه افراد» از پدیده‌های مورد نظر (تعاملات غیررسمی دانشجویان) را دسته‌بندی و به ۱۰ خوشه معنایی<sup>۱</sup> تقسیم‌بندی کردیم. در جدول شماره (۱) خوشه‌های معنایی و مضمون‌های هر یک به تفکیک نشان داده شده است:

جدول شماره (۱). خوشه‌های معنایی و مضمون‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها

شماره	خوشه‌های معنایی	مضمون‌ها	تعداد اظهارات مهم
۱	افزایش توانمندی فردی	کسب مهارت‌های تعاملی	۳۰
		انعطاف‌پذیری	۲
		کسب تفکر انتقادی	۳
		توانایی حل مسئله	۱
		کسب فهم فرهنگی	۲
		مسئولیت‌پذیری	۳
		کسب مهارت‌های کاربردی	۶
		کسب مهارت‌های شغلی	۶
		افزایش ایده و خلاقیت	۳
۲	نگرش جنسیتی	نگرش مثبت	۱۳
		نگرش منفی	۱۶
		ازدواج	۸
۳	تغییر الگوی ارتباطات انسانی	توسعه ارتباطات شغلی، مرتبط شدن با حوزه کاری	۲۵
		تعاملات نزدیک با استادان	۲۰
		تعامل با افراد همسو و هم‌گفتم	۵۰
		فرار از انزوا و تنهایی	۲۵
		دوستی‌های جدید	۳۰
		رفتارهای ارتباطی منفی	۴۶
	تغییر سبک دین‌داری	تقویت یا حفظ اعتقادات مذهبی	۲
		کاهش اعتقادات مذهبی	۱۰
		تساهل و تسامح؛ پذیرش اعتقادات مختلف	۳۱
	تغییر الگوی اوقات فراغت	تفریح و خوش‌گذراندن	۵۰
		اتلاف وقت	۳۳

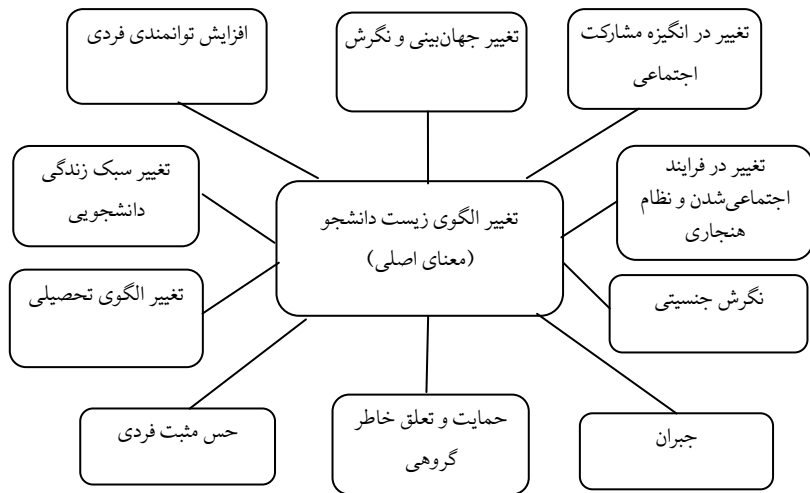




شماره	خوشه‌های معنایی	مضمون‌ها	تعداد اظهارات مهم
۴	تغییر الگوی تحصیلی	آسیب زدن به درس	۱۲
		تسهیل تحصیل و یادگیری	۲۷
		مفیدتر از کلاس درس؛ یادگیری پنهان	۶
۵	تغییر جهان‌بینی و نگرش	تبادل افکار و اندیشه‌ها	۴۰
		تنوع دانش	۲۰
		اثرپذیری	۱۹
۶	تغییر در انگیزه مشارکت اجتماعی	فعالیت تشکیلاتی	۱۴
		تسهیم کالاها و خدمات فرهنگی	۴۱
		فعالیت خیرخواهانه و نوع‌دوستی	۶
۷	حس مثبت فردی	حس اعتماد به نفس	۱۵
		حس مفید و تأثیرگذار بودن	۲۰
		حس استقلال و خودکامادی فردی	۴
		بلوغ و رشد فردی	۱۳
		حس پویایی	۹
		انگیزه موفقیت	۱۰
۸	حمایت و تعلق خاطر گروهی	مشورت	۲۷
		حمایت	۲۵
		تعلق خاطر گروهی	۱۹
		هویت‌یابی	۸
		راحتی و صمیمیت	۲۹
		درک متقابل؛ فهم مشترک	۲۱
		عدم تعلق و وابستگی	۵
۹	جبران	ترمیم کاستی‌های نظام رسمی	۹
		فرار از نظام رسمی دانشگاه	۱۷
		تلطیف فضای رسمی دانشگاه	۱۶
۱۰	تغییر در فرایند اجتماعی‌شدن و نظام هنجاری	کسب تجربه	۱۷
		هنجارشکنی	۳

یافته‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های دانشجویان نشان می‌دهد که آن‌ها به‌سوی تغییر زیست دانشجویی خود رفته‌اند. «تغییر زیست دانشجوی» را همراه با ادراک‌های ذهنی بیان‌شده توسط دانشجویان می‌توان از طریق شکل شماره (۱) نشان داد:





شکل شماره (۱). ادراک‌های ذهنی دانشجویان از تعاملات غیررسمی

#### ۴. تحلیل مضمون‌ها و یافته‌های پژوهش

پس از ارائه خوشه‌های معنایی، مضمون‌های به‌دست‌آمده را با اشاره به تعدادی از گفته‌های مهم دانشجویان، توصیف خواهیم کرد.

##### ۴-۱. افزایش توانمندی فردی

معنای ذهنی تعداد نسبتاً زیادی از دانشجویان از تعاملات غیررسمی خود در دانشگاه و اجتماعات دوستانه، افزایش توانمندی‌ها و مهارت‌های آن‌ها در زمینه‌های گوناگون بود؛ مهارت‌هایی که تا پیش از ورود به دانشگاه و به‌طور مشخص، عضویت در گروه‌های دوستانه دانشجویی، از آن‌ها بی‌بهره بودند؛ بنابراین، این مفهوم به خرده‌مضمون‌هایی تقسیم‌بندی شد که عبارتند از: کسب مهارت‌های تعاملی، انعطاف‌پذیری، کسب تفکر انتقادی، توانایی حل مسئله، کسب فهم فرهنگی، مسئولیت‌پذیری، کسب مهارت‌های کاربردی، کسب مهارت‌های شغلی، و افزایش ایده و خلاقیت.

بسیاری از دانشجویان در پی راهی هستند تا مهارت‌های تعاملی را کسب کنند؛ بنابراین، با چنین ذهنیت و تصویری به‌سوی اجتماع‌های دانشجویی و دوستانه تمایل پیدا می‌کنند. همان‌گونه که از تعداد بالای گزاره‌های این مفهوم (۳۰ گزاره) می‌توان به اهمیت آن برای

دانشجویان پی برد. «علی» دانشجوی مهندسی عمران، ساکن خوابگاه، فعالیت‌های غیردرسی و عضویت در اکیپ‌های دانشجویی را باعث اجتماعی‌تر شدن خود می‌داند و این کار را به ورودی‌های جدید دانشگاه توصیه می‌کند:

این کارهای اجتماعی، هم تجربه را افزایش می‌دهد و هم بعد از مدتی، ارتباطات قوی‌تر شده و در کل، انسان می‌تواند اجتماعی‌تر باشد و گفتن نظر هم راحت‌تر می‌شود.

«هوشنگ»، دانشجوی مهندسی معدن، در این باره می‌گوید:

چون در دبیرستان، جو کاملاً بسته است، وارد دانشگاه می‌شویم و اگر در این گروه‌ها شرکت نکنیم، ضربه می‌خوریم، چون همیشه هم که درس نیست. باید مهارت‌هایی رو یاد بگیریم مثلاً صحبت کردن و ارتباط برقرار کردن با دیگران».

تعدادی از مضمون‌ها، از توانمندی‌هایی هستند که با وجود اهمیتشان، در ذهنیت تعداد اندکی از دانشجویان در مورد اجتماع‌های دانشجویی وجود دارد. «آوا»، دانشجوی تاریخ، در مورد رضایتش از کسب تفکر انتقادی می‌گوید:

از همون ماه‌های اول متوجه وضع بد گروه آموزشیمون شدیم؛ بنابراین، به فکر افتادیم که اکیپی تشکیل بدیم و نشریه‌ای داشته باشیم که انتقاداتمون رو بیان کنیم، یه جوروری که الان همهٔ استادان دارن پیگیری می‌کنن، نشریه چی گفت و همین‌که آدم بتونه انتقاد خودش رو مطرح کنه، خیلی کمک کرده.

«محمد»، دانشجوی علوم سیاسی، ۲۱ ساله، مجرد، و ساکن تهران در مورد کسب توانمندی خود می‌گوید:

احساس می‌کنم فهم فرهنگی من بالاتر رفته، آره راجع به خیلی چیزها آدم دیدش بازتر می‌شه، بهتر می‌فهمه یا یه چیزایی می‌دونه که قبلاً نمی‌دونسته یا از منظر دیگه بهش نگاه می‌کنه.

«پریسا»، دانشجوی شهرسازی، مجرد، و ساکن تهران از رضایت خود به دلیل کسب احساس مسئولیت در مورد مسائل شهری می‌گوید:

یوسف‌آباد به ولیعصر یه سری پله داره که این پله‌ها رو اومدن تخریب کردن به جاش گفتن که پله برقی بذاریم. یه سال گذشت و هیچ اتفاقی نیفتاد. یهو عنوان پروژه عوض شد، گفتن که دو تا واحد تجاری می‌خوایم بسازیم؛ یعنی زمین مردمو عملاً شهرداری



گرفت. وقتی من می‌گم که بچه‌ها ما می‌خوایم یه متنی بنویسیم یا بریم یه تجمعی بکنیم، اونا اصلاً اهمیتی نداره براشون، ولی برای بچه‌های اکیپ ما حس مسئولیت نسبت به اتفاقاتی که توی شهر می‌افته، رفته بالا.

«عطیه»، دانشجوی ریاضی، مجرد، و ساکن تهران می‌گوید:

انعطافمون خیلی بیشتر شده نسبت به همه چیز. یکی از بچه‌هامون خیلی عجول بود، به واسطه بقیه یه کم یاد گرفت که صبر کنه؛ یکی از بچه‌هامون خیلی عصبانی می‌شد چشمشو می‌بست، دهنشو باز می‌کرد، هرچی می‌خواست می‌گفت. یاد گرفت این کارارو نکنه.

«راضیه» دانشجوی علوم اجتماعی با ظاهر ساده و مذهبی و دارای ارتباطات گسترده در

دانشکده می‌گوید:

من که با یک سری از همین حلقه‌ها و اکیپ‌ها رفت‌وآمد داشتم و با آن‌ها دوست شده بودم، با سایر همکلاسی‌هایم که وارد هیچ‌گونه گروهی نشده بودند، به نظر من خیلی تفاوت وجود داشت. حتی وقتی که می‌خواستیم با همکلاسی‌ها در مورد یک موضوع به توافق برسیم که برای کلاس کاری را انجام دهیم، آن کسی که مشارکت بیشتری داشت و ایده‌های بیشتری برای کار و تحقیق داشت، من بودم. من بیشتر به همکلاسی‌ها ایده می‌دادم.

«آوا»، دانشجوی تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی و ساکن خوابگاه، از کسب مهارت

نوشتن می‌گوید که در خلال تعاملات خود کسب کرده است:

من به نوشتن علاقه داشتم و الان هم این کار رو انجام می‌دم، یعنی گفتم که اکیپ ما نشریه و این جور چیزا داره. اونجا یه تمرینی هست واسه من، تو نوشتن مهارت من رو بالا برده.

دانشجویان بر این نظرند که تنها با ورود به دانشگاه و گذراندن واحدهای درسی

تعریف شده توسط دانشگاه، نمی‌توان برای ورود به بازار کار آینده مهارت کسب کرد.

«احسان»، دانشجوی علوم اجتماعی می‌گوید:

الان من، وضعیت اجتماعی و آینده شغلی من رو می‌سازه. چندبار در پوستر زدن خرابکاری می‌کنم، بعد به واسطه ارتباطاتی که دارم، یکی پوستر زدن رو به من یاد می‌ده و بعد من در این زمینه وارد می‌شم.



## ۲-۴. نگرش جنسیتی

دانشجویان، تصوراتی از تعامل با جنس مخالف دارند و نگرشی را در این مورد با خود به اکیپ‌های دانشجویی وارد می‌کنند. این نگرش‌ها می‌تواند مثبت، منفی، یا با تصور ازدواج باشد. «سوگند»، دانشجوی مدیریت صنعتی که دختری مذهبی است، نگرش مثبتی در مورد تعامل با جنس مخالف دارد و در این مورد بر این نظر است که:

اکیپ‌ها می‌تونه یک باب آشنایی باشه، چون شما دارید یک آدمی روز صبح تا شب می‌بینیدش، آگه خسیس هست متوجه می‌شید، دروغگو هست متوجه می‌شید، سطح خانوادگیشون رو از طرز رفتارش، تعاملش، یا حتی طرز چت کردنش متوجه می‌شید و می‌شه که به باب خیلی خوبی باشه برای شناخت.

«راضیه»، دانشجوی علوم اجتماعی معتقد به لزوم ارتباط دختر و پسر در تعاملات دانشجویی و برابری این دو است:

ما ممکن است خیلی راحت در بوفه بنشینیم و صحبت کنیم؛ در فضای برابری غذایمان را با هم بخوریم.

از طرفی تعدادی از دانشجویان در تعاملات غیررسمی خود و در اکیپ‌های دوستانه، معنای منفی‌ای از ارتباط با جنس مخالف دارند و جالب اینجاست که تعداد این دانشجویان از آن‌هایی که نگرش مثبت دارند، بیشتر است. «عطیه»، دانشجوی ریاضی می‌گوید:

من فکر می‌کردم می‌شه با پسرا دوست بود، ولی دیدم که نه، حتماً منظوری پیدا می‌کنن. ترجیح می‌دم اون فاصله رعایت بشه.

تعدادی از دانشجویان از توصیه دین در مورد محدود بودن ارتباط با جنس مخالف می‌گویند؛ به‌عنوان مثال، «زینب»، دانشجوی مهندسی معماری معتقد است:

پسرا دوست نداریم توی گروهمون بیان. تعاملات زیاد می‌شه، یعنی اونچه که اسلام گفته، توی چهار سال نمی‌شه، حفظش کرد. اسلام نمی‌گه که من با پسری که غریبه هستم، برم بیرون.

تعدادی از دانشجویان پسر از ایجاد رابطه عاطفی و در پی آن، فروپاشی اکیپ‌های دوستانه با وجود دخترها می‌گویند و ترجیح می‌دهند گروهشان تک‌جنسیتی باشد. «دانیال»، دانشجوی ادبیات عرب و ساکن تهران می‌گوید: «از دست شما دخترا نمی‌شه هیچ گروهی کنار هم بمونه». تعدادی از دانشجویان از تصورات خود در مورد اکیپ‌های دانشجویی و ایجاد زمینه



ازدواج در خلال این تعاملات در درون دانشگاه و خوشایند بودن این موضوع سخن گفته‌اند.

(عماد)، دانشجوی علوم اجتماعی می‌گوید:

گاهی در این اکیپ‌ها شناخت زیادی از هم پیدا می‌کنند و ازدواج شکل می‌گیرد، این یک نقطه مثبت است.

### ۳-۴. تغییر سبک زندگی دانشجویی

دانشجویان زیادی به تغییر سبک زندگی خود در تعاملات غیررسمی با دوستانشان اشاره کرده‌اند؛ تغییر الگوی ارتباطات انسانی، تغییر سبک‌های دین‌داری، و تغییر الگوی اوقات فراغت، از جمله مفاهیمی بود که ذیل این خوشه معنایی قرار داده شده است که هر یک دارای مضمون‌های بسیار مهمی هستند که گزاره‌های زیادی را به خود اختصاص داده‌اند.

### ۴-۴. تغییر الگوی ارتباطات انسانی

دانشجویان، در پی گسترش دامنه ارتباطات خود در محیط دانشگاه هستند تا با همراهی جمع به برخی از اهداف خود برسند. مضمون‌های این مفهوم، شامل توسعه ارتباطات شغلی، تعاملات نزدیک با استادان، تعامل با افراد هم‌مسو و هم‌کفو، فرار از انزوا و تنهایی، ایجاد دوستی‌های جدید، و رفتارهای ارتباطی منفی است. «بابک»، دانشجوی مدیریت مالی، این ارتباطات را مهم‌تر از کلاس درس می‌داند:

رابطه با دوستان، مهم‌تر از معدلی است که در کارنامه است. چون این‌ها هستند که برای ما آینده کاری رقم می‌زنند. برای کار یا باید پول داشته باشی یا پارتی.

یکی از ادراک‌های ذهنی دانشجویان در مورد تعاملات غیررسمی این است که دانشجویانی که عضویت در اکیپ‌های دانشجویی را تجربه می‌کنند، با استادان، تعاملاتی نزدیک‌تر و خارج از کلاس درس برقرار می‌کنند. «فرزانه»، دانشجوی علوم اجتماعی می‌گوید:

می‌دونی این دوستی‌ها چی به آدم می‌ده؟ به ما سرمایه اجتماعی می‌ده. من با رضا بابکی دوستم با مهدی جعفری دوستم با دکتر اسماعیلی هم دوستم، با دکتر مصباحی هم دوستم، منو به اسم می‌شناسه. همه اینا منو با اسم می‌شناسن. همش سرمایه‌س و خوب واقعاً دارم می‌بینم تأثیرشو. استادها می‌دونن اینا با همن. یه اکیپ‌ان. شاید اینم خودش عامل بازتولید این رابطه بود».

۱. در این نقل قول با توجه به اینکه دانشجویان نام استادها را مطرح کرده‌اند، اسامی به اسم‌های مستعار تبدیل شده است.



تعامل با افراد همسو و هم‌کفو با تعداد گزاره‌های بسیار بالا در این دسته‌بندی قرار گرفته است. «فرزانه»، دانشجوی علوم اجتماعی می‌گوید:

آدمای کمی هستن که اعتقادات دینی و سیاسی شون مثل ما باشه و ما بتونیم باهاش حرف بزنیم. قدر این رابطه‌ها را باید داشته باشیم. ما کلثوم هستیم هممون. کلثوم یه تیپ شخصیتی که ما محجیبیم، ولی چادر نمی‌زنیم و هم با غیر محجبه‌ها متفاوتیم، هم با چادری‌ها متفاوتیم. ما به روشنفکری دینی خیلی علاقه داریم، اصلاح طلبیم، پسرا خیلی موضوعیت خاصی ندارن برامون. ما دختر و پسر رو برابر می‌دونیم.

«علی»، دانشجوی مهندسی عمران می‌گوید:

اون‌هایی که حس بهتری بهم می‌دن را بیشتر سعی می‌کنم ببینم. چون یک‌سری هستند که نقطه مقابل من هستند، اولش خیلی با این‌ها کنتاکت داشتم، یعنی سعی می‌کردم که اون‌ها را تغییر بدهم. ولی دیدم که کار درست این است که از اون‌ها فاصله بگیرم و آدم‌های مثل خودت را پیدا کنی.

«دانیال»، دانشجوی زبان و ادبیات عرب به موضوع جالبی اشاره می‌کند:

«کسی که بخواد وارد اکیپ دوستی ما بشه، قطعاً قطعاً باید بچه پایین باشه. صد درصد، آزادی به پایین باشه. انقلاب به پایین همین جوری میدون‌هایی که تو طول همدیگه‌ان. غیر از این باشه، سنخیتی نداریم».

«پویا»، دانشجوی حقوق، بیست‌ساله و ساکن خوابگاه، هم‌کفوی با دوستانش را در بی‌اعتقادی به خدا می‌داند: «ما آتئیست هستیم. یعنی اعتقادی نداریم».

معیارهای دیگری که دانشجویان برشمرده‌اند و تنها به ارائه فهرستی از آن‌ها بسنده می‌کنیم عبارتند از: همشهری بودن، مذهبی بودن، هر چیزی به‌جز بسیجی بودن، سیاسی و انقلابی بودن، و تعدادی از دانشجویان نیز به اکیپ‌های جداگانه دانشجویان تهرانی با هم و دانشجویان شهرستانی و نبود علاقه برای با هم بودن این دو گروه اشاره کرده‌اند.

اکثر دانشجویان هنگامی که وارد دانشگاه می‌شوند، در پی راهی هستند تا خود را از تنهایی و انزوا خارج کنند؛ عده‌ای از آن‌ها راه عضویت در گروه‌های دوستانه را انتخاب می‌کنند.

«کیمیا»، دانشجوی ادبیات فارسی می‌گوید:



چون ما اهل تهران نیستیم، باعث شده که احساس تنهایی نکنیم، مثلاً تو به شهر بزرگی مثل تهران فکر نمی‌کنیم رها شدیم.

«دانیال»، دانشجوی زبان و ادبیات عرب در مورد ایجاد دوستی‌های جدید می‌گوید:  
«دنبال این بودم که دوستای خوب پیدا کنم. اینکه یه گروه دوستی تشکیل بدم که به قول خودمونی، بچه‌ها با همدیگه حال کنن، با همدیگه خوب باشن و عشق و حالشون رو با همدیگه بکنند. وارد جایی شدیم که تنوع رشته و تنوع آدما خیلی زیاده».  
«احسان»، دانشجوی علوم اجتماعی با دوستانش حلقه‌هایی را تشکیل داده‌اند تا به علایقشان پردازند که به تعدادی از آسیب‌های ارتباطی این حلقه‌ها اشاره می‌کند:  
نمونه‌ای از این آسیب‌ها، شکل‌گیری دوستی‌هایی در داخل حلقه، کشیده شدن دوستی‌ها به خارج از حلقه (فضای مجازی)، قضاوت‌هایی که در مورد دیگران می‌شه (فلانی میاد تا دختر بازی کنه)، احساس عاطفی بدون شناخت شکل می‌گیره. گاهی ریختن قبح‌ها در ارتباط دختر و پسر، آسیب است.

«شادی»، دانشجوی ادبیات نمایشی، بیست‌وسه‌ساله و ساکن تهران به آزار و اذیتی که در گروه توسط یکی از پسرهای اکیپشان شده اشاره می‌کند:

«اینکه رابطه دختر و پسری خیلی با همدیگه اوکیه، به این معنا نیست که همه ما واقعاً از یه سطح فرهنگی برخورداریم. یه نمونه‌ش اینه که تو این جور اکیپا ممکنه تو یه آزاری ببینی. آزاری که من می‌گم منظورم آزار جنسیه». از موارد دیگر رفتارهای ارتباطی منفی که دانشجویان به آن اشاره می‌کردند، مسخره شدن به دلیل مذهبی بودن، رقابت‌هایی که به حسادت کشیده می‌شود، انجام شوخی‌های نامناسب، محدود شدن ارتباط با اکیپ‌های دانشجویان دیگر و ایجاد مرزبندی، پُز دادن و به‌رخ کشیدن داشته‌ها، تقلید کردن از یکدیگر، از جمله سیگار کشیدن، مشروب خوردن، و....

#### ۴-۵. تغییر سبک‌های دین‌داری

دانشجویان به تغییر سبک دین‌داری خود در تعاملات غیررسمی دانشجویی به صورت تقویت و حفظ اعتقادات مذهبی، کاهش اعتقادات مذهبی، یا پذیرش اعتقادات مختلف اشاره کرده‌اند.



«آمنه»، دانشجوی مهندسی کامپیوتر، متأهل، و ساکن خوابگاه، یکی از دانشجویانی است که در ابتدای ورود به دانشگاه، از اینکه کنار افرادی قرار دارد که از نظر مذهبی با او متفاوتند، احساس معذب بودن می‌کند، اما پس از ورود به یک اکیپ دوستانه، احساس بهتری دارد:

این گروه دوستی با اون چیزی که من قبلاً بودم، نزدیک‌تره، یعنی یک جوری کمکم کرده از اون‌ها که بودم، جدا نشم. اگر من قبلاً حجابم این‌طوری بوده، وقتی وارد دانشگاه شدم، حجابم تغییر نکنه و حتی بهتر بشه.

«احسان»، دانشجوی علوم اجتماعی، ساکن تهران، پسری که کل دوران تحصیل خود را در یکی از مدارس مذهبی تهران گذرانده است و خانواده‌ای مذهبی دارد، می‌گوید:

تا قبل از ورود به دانشگاه و ورود به گروه‌های دوستی، به فکر هم نمی‌رسید در این مورد سؤال کنم و بخوانم. حلقه‌ای را تشکیل دادیم که متون مذهبی و دروس فقهی را یک‌سال‌ونیم مطالعه کردیم. و با ایده‌های نواندیشی دینی مواجه شدیم و کتبی را خواندیم که امکان نداشت جامعه در اختیار ما قرار بده. من زمانی عصمت قائل بودم برای تمام مبانی دینی، ولی الان نیستم.

«بابک» از تأثیر ناخواسته‌ای که از دوستان خود گرفته است می‌گوید:

باورهایم کمی تغییر کرد، چون بعضی بچه‌ها آتیست بودند. شاید اطلاعاتشان سطحی بود، اما با همان اطلاعات کم هم من را در مذاکرات شکست می‌دادند. تعداد بسیار زیادی از دانشجویان به پذیرش اعتقادات مختلف در تعاملات خود اشاره کرده‌اند و از «درک کردن» یکدیگر سخن گفته‌اند. «ماندانا»، دانشجوی علوم سیاسی با پوشش چادر می‌گوید:

کلاً من دوستای بی‌حجاب زیادی دارم، مشکلی باهاشون ندارم و صمیمی هستم باهاشون، به‌نظم مذهبی مدرن هستم.

«افشین»، دانشجوی شیمی که خود را فردی غیرمذهبی می‌داند، می‌گوید:

من یاد گرفتم تحمل کنم، یعنی قبلش خیلی نمی‌تونستم تفکرات مخالف خودم رو تحمل کنم. اوایل دانشگاه در مورد مذهب و دین بیشتر بحث می‌کنند، تفاوت‌ها خودشون نشون می‌ده، بعداً متوجه می‌شوند که باید تحمل داشته باشند.





## ۶-۴. تغییر الگوی اوقات فراغت

بحث تغییر الگوی اوقات فراغت یکی از موارد بسیار مورد اشاره در مصاحبه‌های ما بود. تفریح کردن و گذراندن اوقات فراغت از معانی اولیه گروه‌های دوستانه از دیدگاه دانشجویان است. به‌گونه‌ای که تعدادی از دانشجویان، تمام هدف خود از عضویت در اکیپ‌های دوستانه را همین مورد اعلام کرده‌اند. دو خرده‌مضمون در این تقسیم‌بندی قرار داده شده است. تفریح و خوش گذراندن و ائتلاف وقت.

از جمله مواردی که دانشجویان به آن‌ها اشاره کرده‌اند عبارتند از: کافه رفتن، مسافرت، تئاتر، سینما، پارک، کوه، رستوران، تولد گرفتن و سورپرایز کردن یکدیگر، سیگار کشیدن، برگزاری مهمانی در خانه، پیاده‌روی در مسیرهای نزدیک دانشگاه مانند خیابان انقلاب، مشخص کردن مکان‌هایی در درون یا بیرون دانشگاه به‌عنوان پاتوق همیشگی اکیپ، بازی کردن، و موارد کمتر اشاره‌شده‌ای مانند موزه، کنسرت، استادیوم فوتبال، و...

«جعفر»، دانشجوی کامپیوتر می‌گوید:

ذهنیت من اینه که جمع‌های بیش از دو نفر برای خوش‌گذرونیه». «شادی»، دانشجوی ادبیات نمایشی می‌گوید: «صرفاً در حد اینکه خوش بگذره. داشتن این گروه‌ها خیلی جنبه حرفه‌ای نداره واسه من. بیشتر برای وقت‌گذرونی و فان و اینا برا خودمون، مهمونی می‌گیریم.

«احمد»، دانشجوی مهندسی صنایع، ۲۲ ساله، ساکن خوابگاه از همان اول ورود به دانشگاه دوستی‌های دوران دانشجویی را بسیار جدی گرفته است:

اکیپی که الان در حال حاضر یکی از دوستایی که تو خوابگاه باهاش آشنا شدم بعد با دوست‌دخترش و دوستان‌های دوست‌دخترش حدود ۸-۷ نفر هستیم، یه وقت تولد و مهمونی بیرون رفتنی، مثلاً هفته پیش تولد من بود، بعد یه هفته قبلش برنامه دورهمی بود لازانیا درست کردیم با هم خوردیم. خونه بچه‌ها می‌ریم. غذا می‌خوریم، فیلم می‌بینیم، می‌خندیم. جاهایی می‌ریم که خرجش کم باشه. مشروب هم می‌خوریم. از نظر من اوکی هست، کار بدی نمی‌دونم.

«پویا»، دانشجوی حقوق و ساکن خوابگاه، از تفریح و خوش گذراندن خود با دوستانش

می‌گوید:



یکی از تفریحات ما این است که می‌ریم بیرون و گل می‌کشیم و شروع می‌کنیم راجع به مسائل مختلفی صحبت کردن.

تعدادی از دانشجویان با عنوان‌های مختلفی از جمله «الافی»، «گروه بیهوده»، «بیکاری»، «کارهای غیر مفید»، «سطحی شدن»، و... از اکیپ‌های خود نام برده‌اند و نکته جالب توجه اینکه هیچ‌یک از دانشجویان با توجه به اتلاف وقت، حاضر به ترک اکیپ دوستانه خود نبودند. «زهر»، دانشجوی مهندسی عمران و ساکن خوابگاه از فضایی که دانشجویان با دوستان خود در آنجا به تفریح و تعاملات می‌پردازند می‌گوید:

جلوفنی که خیلی باحاله. همه توی دیدن می‌شینیم، آمار بقیه رو می‌گیریم. خیلی خوش می‌گذره. به نوع الکی خوش بودن هست.

«علی»، دانشجوی مهندسی عمران می‌گوید:

در بین بچه‌های ما خیلی این طوره که می‌نشینند و صحبت می‌کنند که مثلاً فلان دختر که با فلان پسر دوست هستند چه کار باید بکنند. یا مثلاً از همدیگه می‌پرسند که برای دوست شدن با فلان دختر باید چه کار کنند و از این قبیل مسائل. این اوج وقت تلف کردن و اوج ابتذال انسان هست.

## ۷-۴. تغییر الگوی تحصیلی

این خوشه معنایی - به منظور بررسی دقیق‌تر - به سه خرده‌مضمون تقسیم شده است. آسیب‌زدن به درس، تسهیل تحصیل و یادگیری، مفیدتر از کلاس درس.

تعدادی از دانشجویان، تعاملات غیررسمی خود با دوستانشان را موجب آسیب‌رسیدن به تحصیل خود می‌دانستند؛ برای نمونه، «سارا»، دانشجوی زیست‌شناسی و ساکن خوابگاه می‌گوید: «ما درسمون بدتر شده، چون همش باهمیم، ولی منفی نیست به نظر من. چون این قدر از اون لذت می‌بریم که می‌گیم بی خیال درس، چون درسو بالاخره می‌خونیم».

تعداد زیادی از دانشجویان نیز به دلایل مختلف و با ذهنیت‌های گوناگون، اکیپ‌های دوستانه خود را تسهیل‌کننده یادگیری تحصیلی خود می‌دانند. «احسان»، دانشجوی علوم اجتماعی با انتقاد از نحوه تدریس برخی از استادان و حل نکردن مسائل و گره‌های ذهنی دانشجویان در زمینه مباحث درسی می‌گوید: «در زمان دانشجویی هم وقتی درسی را فهم نمی‌کنی نمی‌تونی سراغ استاد بری، چون آغوش بازی ندارند و می‌گن نفهمیدی خب برو بفهم؛ بنابراین، من



براساس ارتباطاتی که با بقیه بچه‌ها دارم، سراغ اون‌هایی می‌رم که در این درس و این حوزه واردند. پس برای درآوردن گلیمت از حوزه درسی هم این ارتباطات کمک می‌کنه».

عده‌ای از دانشجویان نیز عضویت در اکیپ‌های دوستانه و برقراری تعامل با دوستان خود در محیط دانشگاه را مفیدتر از کلاس درس می‌دانند. «محمدحسین»، دانشجوی طراحی صنعتی می‌گوید:

به‌نظرم این چیزا مهم‌تر از خود دانشگاهه، چون دانشگاه یه دوره‌ای می‌گذره دیگه، چند سالی آدم میاد درس می‌خونه، می‌ره. این چیزا مهم‌تره. ارتباطات انسانی و این گروه دوستی مون برای من از خود درس مهم‌تره.

#### ۸-۴. تغییر جهان بینی و نگرش

از آنجاکه موضوع تغییر جهان‌بینی و نگرش، تعداد زیادی از گزاره‌های دانشجویان را به خود اختصاص داده است، بنابراین، آن را به خرده‌مضمون‌های تبادل افکار و اندیشه‌ها، تنوع دانش، و اثرپذیری، تقسیم کرده‌ایم.

دانشجویان، در مورد موضوعات مختلف با یکدیگر به تبادل افکار و اندیشه‌ها می‌پردازند؛ از مسائل عمیق فکری تا مسائل روز جامعه، دانشگاه و دانشکده و مسائل فردی و بین‌فردی. مسائل عمیق فکری در اکیپ‌های دانشجویی بیشتر در مورد اثبات وجود خدا و پس از آن، فلسفه و معنای زندگی است. «الهه»، دانشجوی علوم اجتماعی که دختری مذهبی است می‌گوید:

من خیلی سؤال داشتم، سؤالاتم را با تعدادی از بچه‌ها طرح کردم و گفتم یک نفر ولایت فقیه را برای من روشن کنه. من در ابتدای ورود به دانشگاه، جذب بچه‌هایی شدم که می‌تونستن به سؤالاتم پاسخ بدن و گنگ نباشند.

«کسری»، دانشجوی زبان و ادبیات عرب می‌گوید:

یه ساعت تو این دانشکده بگردین، تو حیاط می‌بینین که بحث علمی تو خیلی از بحث‌های دانشجویها نیست. بیشتر چیزی که هست، مسائل روزه، مسائل سیاسی خیلی هست، و مسائل اقتصادی. بقیش می‌ره به سمت حواشی که البته این حواشی هم واسه خودشون خیلی مهم هستند؛ مثلاً راجع به فوتبال و ورزش و یه زمانی انتخابات.

«علی»، دانشجوی مهندسی عمران، ساکن تهران می‌گوید:



حتی ما در مورد زن گرفتن هم با هم بحث کردیم. یا حتی در مورد مهاجرت تا به یک جمع بندی برسیم.

نکته جالب توجه در مورد مفهوم تنوع دانش این بود که بیشتر دانشجویان فنی-مهندسی به این معنای ذهنی در اکیپ‌های دانشجویی خود اشاره می‌کردند و از معایب تک‌بعدی بودن می‌گفتند؛ از جمله «امین»، دانشجوی مهندسی صنایع می‌گوید:

جهانم کوچک بود، یعنی وسعت دیدی نداشتم نسبت به مسائلی که داره دور و برم اتفاق میوفته؛ حالا می‌خواد فلسفی یا دینی، و... باشه. تو اکیپمون بچه‌های فنی هستند که علاقه به علوم انسانی دارند. نمی‌شه آدم خودش رو خلاصه کنه توی فرمول و ریاضی و فیزیک.

اثرپذیری از یکدیگر در فضای تعاملات غیررسمی، از جمله معانی ذهنی دانشجویان بود که در زمینه‌های مختلف برای آن‌ها اتفاق می‌افتد؛ برای نمونه، «الهه»، دانشجوی علوم اجتماعی می‌گوید:

یکی از دلایل تغییر من، جمع‌های دوستانه بودند که من مذهبی‌تر شدم، عضویت در گروه‌های دوستانه، ارتباط بسیار زیادی با درس و زندگی داره و اصلاً مسیر زندگی آدم رو عوض می‌کنه. من با عشق وافر به جامعه‌شناسی آمدم و تبدیل شدم به فردی که با نگاه انتقادی، جامعه‌شناسی می‌خونه. در این حد اثر گذاشت.

#### ۹-۴. تغییر در انگیزه مشارکت اجتماعی

دانشجویان همواره به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی علاقه‌مند هستند و گاهی موفقیت و لذت در این راه را در گرو همراهی با دوستانشان می‌دانند. خرده‌مضمون‌های فعالیت تشکیلاتی، تسهیم کالاها و خدمات فرهنگی، فعالیت خیرخواهانه و نوع دوستی برای این خوشه معنایی در نظر گرفته شده‌اند که به‌طور جداگانه به آن‌ها می‌پردازیم.

نکته قابل توجه در مورد انجام فعالیت تشکیلاتی این است که بسیاری از دانشجویان، عضویت در اکیپ‌های دوستانه را نقطه آغاز فعالیت‌های سیاسی و تشکیلاتی و این دو را بسیار به هم مرتبط و نزدیک می‌دانند و این وضعیت در بین دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی بیشتر از دانشکده‌های دیگر دیده می‌شود. «صبا»، دانشجوی علوم اجتماعی، از تعاملات غیررسمی گسترده خود و پیوند آن با فعالیت‌های تشکیلاتی می‌گوید:



خیلی رابطه مون قوی بود. من یادم نمیاد جایی بدون این‌ها رفته باشم. در انتخابات ۸۸ ما با هم رفتیم یه ستاد رو گرفتیم و بعد همه با هم رفتیم به یه نفر رأی دادیم. اکثر بچه‌ها براساس رویکرد سیاسی شون جمع‌هایی تشکیل می‌دادند. تو با آدم‌هایی دوست می‌شی و مسافرت و تفریح و کافه می‌ری یا کتاب می‌خونی و سینما می‌ری که دغدغه مشترک سیاسی دارید.

تسهیم کالاها و خدمات فرهنگی از پربسامدترین مفاهیم مصاحبه‌ها بود. در بسیاری از تعاملات غیررسمی دانشجویی، کالاها و خدمات فرهنگی به اشتراک گذاشته می‌شوند. از کتاب‌ها در موضوعات مختلف، رمان، نمایشنامه، آلبوم‌های موسیقی، و شعر، تا فیلم‌های گوناگون، و موارد دیگر. گاهی این کار را برای تفریح و به‌گفته خودشان تنها برای خنده، و گاهی خیلی جدی و نقادانه پیگیری می‌کنند. («سعید»، دانشجوی فلسفه، می‌گوید:

دو یا سه نفر از بچه‌هایمان موزیسین هستند. در فیلم هم منتقد و کارشناس داریم در این گروه. در رشته‌های ما که نظری محض است، یک‌سری چیزهای هنری ضروری است و در کنارش می‌طلبند که باشد. «کیمیا»، دختر مذهبی دانشجوی ادبیات و علوم انسانی و ساکن خوابگاه، از تجربه اکیب دوستانه خود در محیط خوابگاه می‌گوید: «قرار دوره‌ای می‌داشتیم واسه رمان خوندن و قرآن خوندن. خیلی جذاب بود.

دانشجویان به فعالیت‌های خیرخواهانه‌ای از جمله در حوزه کودکان کار، مسئله کم‌آبی، شرکت در اردوهای جهادی و رفتن به مناطق محروم برای انجام فعالیت‌های عمرانی، فرهنگی، یا آموزشی، تا تدریس به کودکان کم‌درآمد و افغان ساکن تهران اشاره کرده‌اند. «فرزانه»، دانشجوی علوم اجتماعی می‌گوید:

یه گروهی تشکیل دادیم، یه مدرسه خودگردان تأسیس کردیم که به بچه‌های افغانی درس بدیم. همشون بچه‌های کار بودن. یه بخش مددکاری هم داشتیم به والدین سر می‌زدیم.

#### ۱۰-۴. حس مثبت فردی

دانشجویان از اینکه با دوستان خود تعاملات غیررسمی داشته باشند و بده‌بستان‌های گوناگون - از انگیزه دادن به یکدیگر برای کسب موفقیت، دادن حس زندگی و پویایی در فضای دانشجویی تا رشد یافتن در زمینه‌های گوناگون، کسب اعتمادبه‌نفس که شاید در فضای فردی



کتر داشته‌اند، مفید و تأثیرگذار بودن و حس استقلال و خودکارآمدی فردی - لذت می‌برند و معنای ذهنی مثبتی از این‌گونه اکیپ‌های دوستانه دریافت می‌کنند.

«مژده»، دانشجوی علوم اجتماعی و ساکن تهران از کسب اعتمادبه‌نفس در تعامل خود با دوستانش در دانشگاه می‌گوید:

همیشه احساس می‌کردم هیشکی منو دوست نداره. یادمه تو دوران مدرسه همیشه توی جمع‌ها احساس اضافه بودن می‌کردم. وقتی اومدم دانشگاه، آدمایی دیدم که اعتمادبه‌نفس خوبی داشتند. آدم وقتی می‌بینه که دوستش این قدر خوب می‌تونه صحبت کنه و بحث کنه و نظر بده، خودش هم کم‌کم می‌گه من چرا حرف نزنم، من چرا وارد بحث نشم.

دانشجویان در تعاملات غیررسمی‌شان از منظرها و جنبه‌های گوناگونی احساس مفید و تأثیرگذار بودن می‌کنند. «الهه»، دانشجوی علوم اجتماعی، می‌گوید:

«عضویت در گروه‌های دوستانه می‌تونه تو رو تبدیل کنه به فردی که فضاهای مختلفی رو به هم پیوند می‌زنه و فرد مفیدی می‌شه. این رو خیلی می‌پسندم».

«علی»، دانشجوی مهندسی عمران، بر این نظر است که با گذراندن اوقات مفید با دوستان، علاوه‌بر کمک به خود، به جامعه و دانشگاه نیز کمک می‌کنند:

«وقتی کار و فعالیت می‌کنیم، از خودمان رضایت نسبی به‌دست می‌آوریم و حس مفید بودن داریم. فکر می‌کنم یک سود اجتماعی نیز به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنیم، می‌رساند».

«دانیال»، دانشجوی زبان و ادبیات عرب، از مسافرت با دوستان خود و حس استقلالی که از بودن در جمع دوستانش دارد، می‌گوید:

«از اولین سفرایی بود که هیچ‌کس خبر نداشت. همه‌چیز دست خودمون بود؛ برنامه‌ریزی دست خودمون بود، باید نبایداش دست خودمون بود. اینش خیلی خاص بود، چون ما تا قبل از این، هرجایی می‌رفتیم با خانواده بود و باید و نبایدش دست ما نبود».

«پریسا»، دانشجوی شهرسازی، از طریق مقایسه خود با دانشجویانی که تعاملات محدودی دارند، به رشد خود از این طریق اشاره می‌کند:



می‌بینم نسبت به کسانی که هم‌رشته من، دیدم واقعاً بازتره، یعنی مثلاً تو کلاس که می‌شینی، آدم واقعاً می‌فهمه به چیزایی رو، احساس می‌کنه که واقعاً یه دیدی داری نسبت به مسائل شهرسازی. این‌ها رو من رشدی می‌دونم که در من به واسطه تعاملات ایجاد شده.

«امین»، دانشجوی مهندسی صنایع، علاوه بر تعاملات غیررسمی و دوستانه، فضا و جورا در ایجاد حس پویایی و زندگی مؤثر می‌داند:

من وقت‌های خالیم رو میام پایین { منظور، دانشکده فنی دانشگاه تهران در میدان انقلاب است }. فضای اینجا رو خیلی بیشتر دوست دارم. به نظر روح دانشجویی توش زنده‌تره، پویاییش خیلی بیشتر و شاید هم علاقه به کتاب خوندن هم توش باشه. با دوستانم میام اینجا و به علایقمون می‌پردازیم.

دانشجویان، خواهان انگیزه دادن و انگیزه گرفتن از یکدیگر هستند؛ انگیزه برای بهتر بودن و بهتر شدن. «محمدحسین»، دانشجوی طراحی صنعتی، در مورد انگیزه‌ای که از دوستانش برای ورزش کردن گرفته است می‌گوید:

جمع‌ها انگیزه به آدم می‌ده. اون وقتی که آدم حوصله نداره رو تبدیل به وقت مفید و مثبت می‌کنه. می‌رفتیم ورزش که مدت نسبتاً طولانی‌ای هم ادامه داشت.

#### ۴-۱۱. حمایت و وابستگی گروهی

مشورت، حمایت، وابستگی گروهی، هویت‌یابی، راحتی، صمیمیت، و درک متقابل، به‌عنوان خرده‌مضمون‌های این مفهوم در نظر گرفته شده‌اند. تعدادی از دانشجویان نیز از عدم وابستگی و تعلق به گروه‌های دوستانه خود سخن گفته‌اند.

یکی از پرگفته‌ترین مفاهیم این معنا، «مشورت» بوده است. مشورت در مسائل خانوادگی و شخصی، ازدواج، مشورت‌های درسی به‌ویژه با سال‌بالایی‌ها در مورد منابع درسی، شیوه نمره گرفتن از استادان، واحد گرفتن، پذیرش گرفتن، شرکت در کلاس‌های فوق‌برنامه، خرید کتاب خوب، مشورت در مورد مسائل مذهبی و... به‌عنوان مثال، «عطیه»، دانشجوی ریاضی، می‌گوید: توی تعاملاتمون فقط شوخی و مسخره‌بازی و خندیدن نیست. یه موقعی هم کمک همدیگه می‌کنیم؛ حالا چه خانوادگی، چه درسی، یه موقعی یه مشکلی پیش بیاد از هم مشورت می‌گیریم؛ این رو وظیفه خودمون در قبال همدیگه می‌دونیم.





«شادی»، دانشجوی ادبیات نمایشی، حمایت شدن و حمایت کردن در گروه‌های دوستانه را یک ضرورت - به ویژه در رشته خودش - می‌داند:

تئاتر، خیلی سیستم کار کردنش یه شکلیه که به حساب رفاقت می‌ریم تو کارای همدیگه کمک می‌کنیم. خیلی لینک توش زیاده. از اون طرفم می‌دونم که اگه خودتم می‌خوای یه کاری بکنی، علی‌القاعده اونم باید بهت کمک کنه.

«عارفه»، دانشجوی علوم اجتماعی، از تلاش دوستانش در اکیپ برای حمایت کردن از یکدیگر در موضوعات مختلف می‌گوید:

بیشتر روحیه دادن هست، بچه‌ها یک تعمدی دارند که پشت هم باشند و همدیگه رو ساپورت کنند.

وابستگی به یک گروه دوستانه، پذیرفته شدن در جمع، دلتنگ شدن در زمان دوری از دوستان، مانند تعطیلات تابستان یا عید نوروز، از جمله احساسات دانشجویان در مورد اکیپ‌های دانشجویی‌شان است. «محمدحسین»، دانشجوی طراحی صنعتی، می‌گوید:

احساس آرامش بیشتر، حس تعلق به یه جمع دوستانه. حس خوبی که اون گروه، شما رو می‌پذیره.

«روژین»، دانشجوی علوم اجتماعی، همیشه نگران از دست دادن اکیپ دوستانه‌شان است: همیشه ترس نبود جمع رو دارم، چون بالاخره ما درسمون داره تموم می‌شه، سال دیگه دو نفر می‌خوان اپلای کنند برن، دو نفر در شرف ازدواج داریم؛ این برام سنگینه.

«ابراهیم»، هدف خود در ابتدای دوران دانشجویی از ورود به یک اکیپ دانشجویی را کسب هویت از آن جمع بیان می‌کند:

موقعی که ما به گروه نزدیک می‌شدیم، یه نوع کسب هویت می‌کردیم برای خودمون تو فضای دانشکده. خب ما که ورودی بودیم، خیلی به چشممون مهم می‌ومدن، می‌خواستیم خودم رو نشون بدم که متعلق به این سنت هستیم.

«احمد»، دانشجوی مهندسی صنایع، بین اکیپ دوستانه‌اش با جامعه، فاصله زیادی متصور است و راحتی‌ای که با دوستانش دارد را در هیچ‌جای دیگری ندارد:

این اکیپ معمولاً باعث می‌شه آدم راحت‌تر باشه؛ مثلاً اگه حالا با دوست‌دخترت بحث شد، می‌تونم بری تو جمع مثلاً مطرحش کنی. فیدبک‌های مختلف می‌گیری. روحیه آدم



خوب می‌شه. این قدر فاصله افتاده بین ما و جامعه؛ دیگه خیلی بحث‌ها اصلاً واسه ما مطرح نیست.

«راضیه» از «فهمیده شدن» توسط دوستانش اطمینان دارد:

من نمی‌تونم یک سری وقایع و اتفاقات و روابط را به خانواده یا والدینم بگویم، چون متوجه نمی‌شوند که معنای آن چیست، ولی با دانشجویان دانشکده یا دوستانم راحت‌تر می‌تونم در میان بگذارم و بگویم.

تعدادی از دانشجویان از عدم وابستگی زیاد به اکیپ دوستانه‌شان می‌گویند و بر این نظرند که گره خوردن تمام زندگی و وابستگی به گروه دوستانه درست نیست. «اللهه»، دانشجوی علوم اجتماعی، با وجود تعاملات گسترده‌ای که در دانشگاه دارد، در این مورد می‌گوید:

من خیلی همه هویت و زندگی‌م رو گره نمی‌زنم به گروه‌های غیررسمی و در کنار این‌ها یک جاده خاکی دارم که مسیر خودم رو می‌رم. وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت.

#### ۱۲-۴. جبران

دانشجو برای جبران کاستی‌هایی که در دوران دانشجویی‌اش در نظام رسمی دانشگاه احساس می‌کند به تعاملات غیررسمی با دوستانش روی می‌آورد و این تعاملات غیررسمی را راهگشاتر و کمک‌کننده‌تر از تعاملات رسمی و تشکیلاتی می‌داند. این خوشه معنایی به مضمون‌های ترمیم کاستی‌های نظام رسمی، فرار از نظام رسمی، و تلطیف فضای رسمی دانشگاه تقسیم‌بندی شده است. «میترا»، دانشجوی ادبیات نمایشی، بیان می‌کند:

داریم سعی می‌کنیم اون چیزایی که می‌خوایم و واقعاً نیاز به دوستشون هست و تو چارت آموزشی برامون پیش‌بینی نشده یا خوب ارائه نشده، در هر صورت توی جمع خودمون پوشش بدیم.

گاهی دانشجویان از فضای رسمی و نظارت نظام رسمی بر فعالیت‌ها و ارتباطاتشان گریزان هستند و برای گریز از این نظارت و دخالت، به گروه‌های دوستانه و تعاملات غیررسمی و فعالیت در این گعده‌های دوستانه روی می‌آورند. «علیرضا»، دانشجوی عکاسی، می‌گوید:

یه حس خوشحالی داره از دید اینکه از این جو فرمال دانشگاه فرار کرده‌ای.





«احسان»، دانشجوی علوم اجتماعی، می‌گوید:

علاقه بچه‌ها به حلقه شعر ما به خاطر غیررسمی بودن و دخیل نبودن سیستم دانشگاه در اون بود، چون احساس نمی‌کنی چیزی به تو دیکته می‌شه، بلکه احساس می‌کنی خودت هستی که داری کار می‌کنی و مطابق با علایقت پیش می‌ری.

«سعید»، دانشجوی فلسفه، تعاملات غیررسمی و دوستانه خود را انگیزه‌ای برای آمدن به دانشگاه در روزهای ناامیدی بیان می‌کند:

زمانی که وارد دانشگاه شدیم، به خاطر یکی نبودن فضای دانشگاه با فضای درون ذهن ما یک سرخوردگی پیدا کردیم. تشکیل شدن گروه دوستی باعث شد که روحیه ما خیلی تغییر کند، یعنی ما انگیزه پیدا کردیم نسبت به آمدن به دانشگاه.

«علی»، دانشجوی مهندسی عمران می‌گوید:

این اکیپ، زندگی دانشجویی‌مان را لذت‌بخش‌تر کرده است. الان خیلی انگیزه درسی ندارم، ولی فعالیت‌های دانشجویی را چون لذت می‌برم، راحت‌تر انجام می‌دم.

### ۱۳-۴. تغییر در فرایند اجتماعی شدن و نظام هنجاری

این خوشه معنایی به مضمون‌های کسب تجربه‌ها و هنجارشکنی تقسیم شده است.

دانشجویان به کسب تجربه‌های جدید در تعاملات غیررسمی خود اشاره کرده و آن را یک «موهبت» در دوره دانشجویی دانسته‌اند. «فائزه»، دانشجوی علوم اجتماعی، می‌گوید:

من خیلی مخ اینو دارم که همه چیو تجربه کنم. الان فکر می‌کنم که ۲۴ ساله نسبت به هم‌سن‌هام خیلی جلو هستم. تجربه‌هایی بودش که هر کسی به دست نمی‌آره و بعداً خیلی به کمک آدم میان.

«حبیب»، دانشجوی مهندسی شهرسازی، بر این نظر است که تجربه تعاملات غیررسمی و همکاری‌های مختلف با دوستان، سبب تغییر رویه و رفتار در او شده است:

من خیلی آدم غرغرویی بودم، ولی بعد خودم تبدیل شدم به یه آدم خیلی عمل‌گرایی که دارم یه کار دانشجویی می‌کنم و این تجربه‌ها فوق‌العاده بودند.

تعدادی از دانشجویان از تمایل به شکستن تابوها در اکیپ خود سخن می‌گفتند: «کیان»،

دانشجوی علوم اجتماعی می‌گوید:

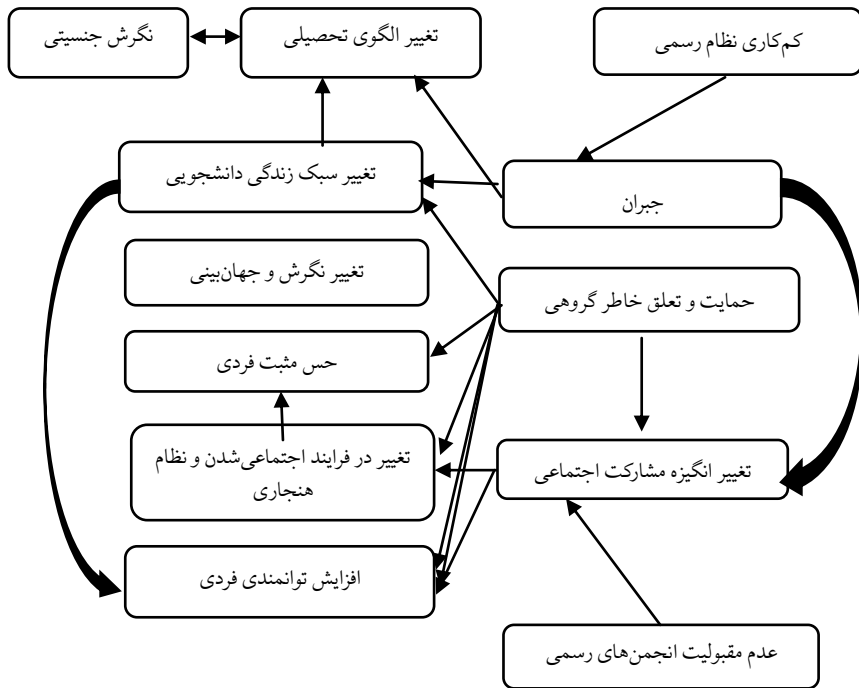
«فیلم‌هایی را دسته‌جمعی دیدیم و نقد کردیم که در عرف جامعه، دسته‌جمعی و مختلط

دیدن آن‌ها پذیرفته شده نیست. مسافرت رفتن با اکیپ دختر و پسر که تابو به حساب می‌آمد، یک بار انجام می‌دی و می‌بینی اتفاقی نیفتاد و این کلیشه‌ها می‌شکنه».

«صبا»، دانشجوی علوم اجتماعی، می‌گوید:

«خیلی به این فکر می‌کردیم که کار آوانگارد کنیم. دخترهامون همیشه کچل بودند و پسرهامون موهای بلند. یک بار من و یه دختر دیگه تصمیم گرفتیم موهامون رو آبی کنیم».

با تأمل بیشتر در گفته‌های مصاحبه‌شوندگان می‌توان رابطه‌ای را در میان مفاهیم بیان شده کشف کرد. البته ذکر این نکته ضروری است که این روابط، تنها براساس گفته‌های ۵۲ دانشجوی مشارکت‌کننده در این پژوهش ترسیم شده است و بنابر ماهیت روش‌های کیفی و پدیدارشناسی، قابل تعمیم و مقایسه با وضعیت تمام دانشجویان یا جامعه‌های دیگر مورد پژوهش نیست. این روابط در شکل زیر نشان داده شده‌اند:



شکل شماره (۲). رابطه مفاهیم و مضمون‌ها



در ادامه می‌توان به گزاره‌های کوتاهی اشاره کرد که نشان‌دهنده روابط موجود میان مفاهیم ذهنی دانشجویان از تعاملات غیررسمی در حوزه دانشجویی خود هستند. یکی از دانشجویان عدم مقبولیت انجمن‌های رسمی را عامل تغییر در انگیزه مشارکت اجتماعی خود می‌داند:

با بچه‌های انجمن اسلامی مشکل داشتیم و معتقد بودیم ما بدنه دانشجویی هستیم و خودمون دغدغه‌های سیاسی مون رو پیگیری می‌کنیم.

تعدادی از دانشجویان، به دلیل کم‌کاری نظام رسمی دانشگاه و برآورده نشدن انتظارات آن‌ها، برای جبران، تلاش کردند به‌طور خودجوش و به‌دور از نظام فرمایشی دانشگاه، خواسته‌ها و علایق و انتظارات خود را دنبال کنند؛ برای نمونه، این گزاره: «وقتی مطلبی رو فهم نکنی، اساتید آغوش باز ندارند؛ بنابراین، این نیاز رو از طریق دوستانم برطرف می‌کنم و سراغ اون‌ها می‌رم»، نشان می‌دهد که دانشجو برای جبران کم‌کاری نظام رسمی و به‌منظور تسهیل تحصیل خود، به‌سراغ تعاملات غیررسمی می‌رود، یا این گزاره: «سؤالاتی در مورد پیش‌فرض‌های دینی داشتیم و کتاب‌ها و متونی رو خوندم که امکان نداشت جامعه در اختیار ما قرار بده. در آخر بسیاری از مبانی دینی از نظر ما رد شد»، نشان‌دهنده کم‌کاری نظام رسمی دانشگاه در انتقال مفاهیم دینی است و قرار دادن اطلاعات و منابع در اختیار دانشجویان، سبب می‌شود که دانشجویان برای جبران، در تعاملات غیررسمی خود منابع و اطلاعات را تبادل کنند تا به پرسش‌های ذهنی خود در حوزه دین پاسخ دهند و درنهایت، دانشجو بر این نظر است که در سبک زندگی من و به‌ویژه اعتقادات مذهبی من، تغییر ایجاد شده است.

دانشجوی دیگری از تغییر در انگیزه مشارکت اجتماعی، به‌عنوان عامل ایجاد حس مثبت در تعاملات غیررسمی یاد می‌کند: «فعالیت‌های سیاسی‌ای که با دوستانم دارم، به من حس زندگی می‌ده. اینکه فوت آیت‌الله منتظری رو پاشدیم رفتیم قم، خیلی خوب بود. حس می‌کردم من پویام، من زنده‌ام». این گزاره که «ما از همدیگه این انتظار رو داریم که اگر یکی موقعیت شغلی پیدا کرد، حتما من رو هم لینک کنه، خیلی بچه‌ها هوای همدیگه رو دارن» نشان‌دهنده نقش حمایت و وابستگی گروهی در تغییر سبک زندگی دانشجویی (به‌طور خاص، تغییر در ارتباطات انسانی) است. یکی دیگر از دانشجویان، حمایت و وابستگی گروهی را عامل افزایش توانمندی‌های فردی خود می‌داند: «ری‌اکشن‌های مثبت و منفی که در مورد کارم در جمع‌های دوستانه، به‌عنوان محیطی که منفعت‌طلبی کمتری نسبت به جامعه درش هست،



می‌گیرم، باعث پیشرفت من می‌شه». این گزاره که «با این دوستانم در اکیپ چون راحت‌ترم مشکل و مسائل دانشکده رو با این‌ها در میون می‌ذارم»، نشانگر این است که دانشجو به دلیل دریافت حمایت‌های عاطفی، از جمله راحتی و صمیمیت در تعاملات غیررسمی با دوستانش، ترجیح می‌دهد که تبادل افکار و اندیشه‌هایش را با آن‌ها داشته باشد.

در جای دیگری دانشجویی به تأثیر عامل وابستگی گروهی در تغییر نگرش و جهان‌بینی‌اش اشاره می‌کند: «تعلق خاطری که داریم به جمعمون، ممکنه باعث تقلید کورکورانه بشه، ولی من سعی کردم اثرپذیری آگاهانه داشته باشم». نگرش مثبت به تعامل با جنس مخالف سبب تغییر در سبک زندگی دانشجویی شده است: «دختر و پسر بودن برامون موضوعیت نداره. دور هم جمع می‌شیم، همدیگه رو ببینیم، سعی می‌کنیم سبک زندگیمون رو بهتر کنیم و یه رهایی ذهن داشته باشیم». اما این رابطه، همان‌گونه که در الگو نشان داده شده است، به صورت دوطرفه است: «از اثرات مثبت جمعمون اینه که ضعف‌ها و عدم مهارت‌های ارتباطی دختر و پسر رفع می‌شه و می‌فهمه که این‌قدر گسست نیست بین دختر و پسر». دانشجویی به تغییر سبک زندگی (به‌ویژه تغییر در الگوی ارتباطات انسانی) و تأثیر آن بر تغییر الگوی تحصیلی (تسهیل در تحصیل) این‌گونه اشاره می‌کند: «اگر مشکل آموزشی برای کسی پیش بیاد که ارتباطات گسترده‌ای داره (مثل حذف و اضافه نکردن در زمان مقرر) می‌تونه ارتباط بگیره و کارش رو پیش ببره».

تغییر نگرش و جهان‌بینی در نتیجه تبادل افکار و اندیشه‌ها در میان دانشجویان و اثرپذیری از یکدیگر سبب تغییر سبک زندگی دانشجویی می‌شود؛ همان‌گونه که یکی از دانشجویان بیان می‌کند:

تأثیراتی که از دوستانم گرفتم و دیگه از نظر مذهبی سفت و سخت نیستم. تو یکی می‌بینی میگی! اونم مثل من بوده، الان این جوریه و این باز تولید می‌شه.

دانشجویان، تغییر در فرایند اجتماعی شدن و نظام هنجاری و کسب تجربه‌های جدید را عامل رشد و بلوغ خود می‌دانند و به حس مثبت فردی می‌رسند:

تجربه‌هایی کسب کردم که باعث شده از هم‌سن‌وسالام جلوتر باشم؛ مثلاً یه بار پلیس امنیت ریخت توی محیطی که به بچه‌های کار درس می‌دیم و اونجا باید تسهیل‌گری می‌کردیم. این رشد رو برای من داشت. این تجربه‌ها رو هر کسی به دست نیاره.



دانشجوی فنی برای جبران کم‌کاری نظام رسمی و سنگ‌اندازی در انجام فعالیت‌های فوق‌برنامه سعی می‌کند این علائق خود را در فضای غیررسمی با دوستانش دنبال کند:

دانشگاه، برنامه‌ها موند رو سختگیرانه لغو می‌کنه؛ بنابراین، تصمیم گرفتیم خودمون یک کاری رو شروع کنیم. نقد فیلم گذاشتیم، فعالیت سیاسی می‌کنیم، و نشریه چاپ می‌کنیم، بدون حمایتی از دانشگاه.

دانشجوی دیگری حمایت و وابستگی گروهی را عامل ایجاد حس مثبت فردی در خود می‌داند:

همون قدر که در هویتم دختر بابام هستم، همون قدر هم هویت من با این جمع گره خورده و باعث شده تا در ارتباطاتم اعتماد به نفس پیدا کنم.

## بحث و نتیجه‌گیری

یکی از راه‌های شناخت تجربه دانشگاه و ادراک ذهنی دانشجو در مورد دانشگاه، بررسی «نظام رسمی دانشگاه» از دیدگاه دانشجویان است؛ اینکه تجربه دانشجو در کلاس درس و در ارتباط با استادان و... چیست و چه معنایی از کلاس و آموزش دانشگاهی در ذهن دارد، اهمیت زیادی دارد، اما آنچه اطلاعات کمتری در مورد آن وجود دارد، معنای ذهنی دانشجو در مورد «نظام غیررسمی دانشگاه» است. این نظام غیررسمی را می‌توان در محافل دانشجویی، تعاملات غیررسمی میان دانشجویان، و بین دوستان و رفقا و خوابگاه‌ها جست‌وجو کرد. حوزه‌های تعاملی، ارزش‌های مشترک یک فرد با دیگران را نشان می‌دهند. می‌توان خلاصه زندگی دانشجویی ادراک شده، معنای آن و تجربه شده را در تعاملات غیررسمی دانشجویان دنبال کرد. در این پژوهش با همین هدف، با ۵۲ دانشجوی دانشگاه تهران از دانشکده‌ها و رشته‌های گوناگون، مصاحبه عمیق پدیدارشناسی انجام شد. هرچند این پژوهش به سبب روش آن با محدودیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها به جامعه گسترده‌تر دانشجویان روبه‌رو است، اما تلاش کرده‌ایم تا فهم عمیقی را از تعاملات غیررسمی دانشجویان در یک نمونه کوچک ارائه کنیم. ون منن<sup>۱</sup> (۱۹۹۰)، پژوهش پدیدارشناسی را مطالعه دنیای فردی می‌داند؛ دنیا بر این اساس که ما آن را چگونه تجربه می‌کنیم، پیش از آنکه در مورد آن بیندیشیم یا مفهوم‌سازی کنیم. دانشجو با بیان





آنچه از تعامل با دوستانش در دانشگاه و احساسات و انگیزه‌ها و تأثیر و تأثرها و تمام آنچه در دوران دانشجویی از تشکیل اکپ‌ها و گعده‌های دوستانه تجربه کرده است، به ما کمک کرد تا معنای ذهنی ادراک شده او را در خلال این تعاملات غیررسمی با دوستانش دریابیم. پس از تقلیل، کدگذاری، و تحلیل یافته‌های مصاحبه، به تغییر الگوی زیست دانشجوی رسیدیم؛ به این معنا که دانشجو در تعاملات غیررسمی و گذراندن زمان‌های زیادی از دوران دانشجویی خود با دوستانش در موارد گوناگون به تغییراتی در زیست دانشجویی خود رسیده است، از جمله تغییر سبک زندگی دانشجویی (تغییر الگوی ارتباطات انسانی، تغییر سبک دین‌داری، تغییر الگوی اوقات فراغت) افزایش توانمندی فردی، نگرش جنسیتی، تغییر الگوهای تحصیلی، تغییر نگرش و جهان‌بینی، حس مثبت فردی، حمایت و وابستگی گروهی، جبران، تغییر در انگیزه مشارکت اجتماعی، و تغییر در فرایند اجتماعی شدن و نظام هنجاری. آنچه مهم است - فارغ از محتوا و معنایی که دانشجویان ادراک می‌کنند - نحوه رویارویی دانشگاه و آموزش عالی است. برای دانشگاه و آموزش عالی، محتوای رسمی، عناصر رسمی، و گروه‌های رسمی، اهمیت زیادی دارند و خواست، انتظارات، و دیدگاه جاری و ساری در درون این گروه‌ها را در فرایند سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در نظر دارند، اما شبکه تعاملات اجتماعی و تأثیر تعاملات گروه‌های غیررسمی (داخل یا خارج) دانشگاه، اثرات پنهانی در محیط دانشگاه و عناصر انسانی آن دارند و نمی‌توان با نادیده گرفتن آن‌ها و پاک کردن صورت مسئله از آن غفلت کرد. در رویکردهای جدید سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، نقش شبکه‌ها و ارتباطات، اهمیت فراوانی دارد که این موضوع با توجه به گستردگی و پیچیدگی نظام دانشگاه و محیط آموزش عالی، دوچندان می‌شود. این موضوع، اهمیت توجه به گروه‌های غیررسمی دانشجویان و تعاملات و معنایی که دانشجویان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر نظام دانشگاه، در این گروه‌ها درک می‌کنند را به‌عنوان یک منبع اطلاعاتی مهم در فرایند سیاست‌گذاری، بیشتر نشان می‌دهد. هرچند دریافت این معانی، نیازمند سیاست پژوهشی عالمانه و اتخاذ رویکردی مشارکتی در این زمینه است. در اینجا به‌منظور جمع‌بندی پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. پس از تحلیل گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، به مفهوم تغییر در الگوهای تحصیلی آنان رسیدیم. تعدادی از دانشجویان، تعاملات دانشجویی را عامل آسیب‌زننده به تحصیل خود عنوان کردند و تعداد بسیار بیشتری، تسهیل و پیشرفت تحصیل و یادگیری خود را مدیون



ارتباطات گسترده خود با دانشجویان دیگر می‌دانستند. یادگیری شیوه انتخاب واحد، تقسیم کردن منابع درسی و امتحانی با سایر دوستان، درس خواندن دسته‌جمعی و مشارکتی، توضیح دادن مطالب درسی که در کلاس قابل فهم نبوده است، مشورت با سال‌بالایی‌ها در مورد شیوه نمره گرفتن از هر استاد، خلاصه‌نویسی کتاب‌های درسی و کمک به راهیابی راحت‌تر به مقطع کارشناسی ارشد. قانعی‌راد (۱۳۸۵) در پژوهش خود بیان می‌کند که تعامل در فرایندهای آموزشی و یادگیری همکارانه، عملکرد و موفقیت و بهره‌وری بیشتری را موجب می‌شود.<sup>۱</sup> ویگاتسکی<sup>۲</sup> با ارائه مفهوم «ناحیه پیشرفت بالقوه<sup>۳</sup>» یادگیری را در گروه شرکت در فعالیت‌های جمعی و در تعامل با دیگران می‌داند، و به یادگیری انفرادی اعتقادی ندارد. مفهوم «مشارکت فرعی مجاز» ونگر (۱۹۹۸) نیز بر اجتماعی بودن یادگیری تأکید دارد و در واقع، یادگیری را در شرکت در فعالیت‌های جنبی در جوامع فعال می‌داند. هرچند گاهی هدف دانشجویان ورود به اکیپ‌های دانشجویی، تقویت تحصیلی خود نیست، ولی این اتفاق رخ می‌دهد و دانشجویان پس از مدتی، تعاملات دوستانه خود را بالاتر و بهتر و مفیدتر از کلاس درس می‌داند و مهارت‌ها و توانایی‌هایی کسب می‌کند که احساس می‌کند در کلاس درس و نظام رسمی به آن‌ها دست نمی‌یابد و محتوایی را می‌آموزد که در برنامه‌های درسی رسمی، پیش‌بینی نشده است. «پشیمان نیستم که کاش بیشتر به کلاس‌ها می‌رسیده بودم»، «بیشتر مطالبی که یاد گرفتم از دوستانم بود نه از کلاس‌ها» عبارتهایی بودند که دانشجویان برای بیان «یادگیری پنهان» در خلال تعاملات غیررسمی خود بیان کردند. این نوع یادگیری، بدون هیچ قصد آگاهانه و نیز بدون دانش خودآگاه انجام می‌شود (ربر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳، به نقل از: اروت، ۲۰۰۰)؛

۲. موضوع مورد مناقشه تضعیف یا تقویت دین‌داری دانشجویان در دوران دانشجویی همواره در پژوهش‌های جامعه‌شناختی مورد بررسی بوده است، اما براساس یافته‌های این پژوهش، فارغ از تضعیف یا تقویت دین‌داری، آنچه بیشتر دانشجویان به آن اشاره کرده‌اند، تساهل و پذیرش اعتقادات مختلف دوستانشان است. آن‌ها به این نتیجه رسیده بودند که بهتر

۱. همچنین، یکی از استادانی که تجربه بسیار طولانی‌ای در تدریس دارد، می‌گوید:

با اطمینان می‌گویم، دانشجویانی که تعاملات گسترده‌ای در دانشگاه دارند و در اکیپ‌های دانشجویی شرکت می‌کنند، از لحاظ درسی در شرایط بسیار بهتری نسبت به دانشجویان دیگر قرار دارند.

2. Vygotsky

3. zone of proximal development

4. Reber





است کاری به اعتقادات مذهبی یکدیگر نداشته باشند و از سایر نقاط مشترک خود بهره ببرند. آن‌ها از عبارتهایی مانند «داشتن تحمل سازنده»، «کاهش تعصبات گذشته»، «احترام به عقاید خصوصی دیگران»، «درک متقابل یکدیگر»، و «رشد دادن خود از طریق انعطاف در تفاوت‌ها» برای بیان این معنا استفاده کرده‌اند. همان‌گونه که قانعی‌راد (۱۳۸۵) در پژوهش خود به این موضوع اشاره کرده است، کارهای جمعی دانشجویان، امکان گسترش روحیه تساهل و تحمل عقیده مخالف را از طریق آشنایی با قرائت‌های مختلف از مسئله‌ای معین در حوزه‌های گوناگون علمی، سیاسی، و دینی فراهم می‌کند. ذکایی (۱۳۹۰) نیز در یافته‌های پژوهش کیفی خود به این نتیجه رسیده است که عموم دانشجویان، تعامل با افراد بیشتر و سازگاری با عقاید و آداب و رسوم گوناگون را جزء جذابیت‌های دوران دانشجویی خود ذکر کرده‌اند. از سوی دیگر، در پژوهش ما تعدادی از دانشجویان، به تغییر در سبک دین‌داری و تضعیف اعتقادات مذهبی خود اشاره کرده‌اند. آنان از موارد مختلفی در این زمینه یاد کرده‌اند که عبارتند از: «مطالعه در زمینه نواندیشی دینی» و «مذهبی مدرن بودن». همان‌گونه که استین (۱۹۹۰) معتقد است، زندگی در پردیس در مقایسه با اقامت در خانه، باعث افزایش علایق هنری، آزادمنشی، عزت نفس، گرایش‌های لذت‌جویانه، ماندگاری علمی، و موفقیت بیشتر در فعالیت‌های فوق‌برنامه، اما کاهش تدین (میزان پایبندی به مذهب) می‌شود؛

۳. دانشجویانی که از معنای گسترش ارتباطات شغلی از طریق عضویت در گروه‌های دانشجویی سخن گفته‌اند، اکثراً از رشته‌های هنر و علوم اجتماعی بوده‌اند. عبارتهایی مانند «هوای همدیگر را داشتن»، «ضرورت وجود شبکه حمایتی»، و «همه‌چیز براساس روابط است»، نشان‌دهنده اهمیت این معنا برای دانشجویان است؛ تاجایی که دانشجویی از رشته هنر با وجود آزار جنسی و تحمل ضربه شدید روحی ناشی از آن، حاضر به ترک اکیپ دوستانه نبود و ترجیح می‌داد بماند تا ارتباط‌های شغلی را برای آینده‌اش از دست ندهد. با توجه به معانی بیان‌شده در مورد کسب ارتباطات شغلی می‌توان دریافت که دانشجویان، امید چندانی به شاغل شدن پس از کسب مدرک دانشگاهی - آن‌هم از دانشگاه تهران - نداشته‌اند. این مسئله را می‌توان به دو موضوع مرتبط دانست: نخست اینکه دانشجویان بر این نظر است که در دوران دانشجویی، مهارت و علم لازم را به‌دست نیاورده است، و دوم اینکه زمینه شغلی در جامعه به‌هیچ‌روی برای او فراهم نیست؛



۴. دانشگاه، نخستین میدان اجتماعی در ایران است که دو جنس دختر و پسر در کنار یکدیگر به آموزش، تعامل، و برقراری ارتباط می‌پردازند. معانی ذهنی افراد از تعامل با جنس مخالف، گوناگون است. این معنا که ما «نگرش جنسیتی» نامیده‌ایم با عبارات‌های مختلفی از سوی دانشجویان بیان شده است. «ضرورت تعامل با جنس مخالف و کسب شناخت برای ازدواج و اشتغال در آینده» و «نیاز ذاتی هر فرد برای تعامل با جنس مخالف»، و از سوی دیگر، معانی‌ای مانند «معذب بودن در حضور پسرها»، «پسرها از تعامل با دخترها هدف‌های خاصی دارند»، و «دخترها، گروه‌های پسرانه را از بین می‌برند»، از جمله مفاهیم مطرح‌شده در تأیید یا رد ارتباط با جنس مخالف در اکیپ‌های دانشجویی هستند. نکته جالب توجه اینکه تعداد بیشتری از دانشجویان، نگرش منفی‌ای در مورد تعامل با جنس مخالف داشته‌اند که می‌توان این امر را نشان‌دهنده عدم کسب مهارت‌های تعاملی در دوره‌های مختلف و ضعف نظام آموزشی ما، چه در نهاد مدرسه و چه در نهاد آموزش عالی، دانست. چه بسا دانشجویان به امید کسب شناخت از جنس مخالف و یادگیری مهارت‌های تعاملی، در ابتدا وارد اکیپ‌ها و گعده‌های دوستانه می‌شوند، اما پس از ایجاد مشکلات و ناکامی‌هایی که ناشی از ضعف شدید در برقراری ارتباط مناسب و متعادل است، ناامید شده و ترجیح می‌دهند با هم‌جنس‌های خود که سال‌های پیش از دانشگاه تجربه تعامل با آن‌ها را داشته‌اند، به تعاملات گروهی بپردازند و تعامل با جنس مخالف را به صورت فردی و به شکل «دوست دختر و دوست پسر» داشته باشند؛

۵. برخی دیدگاه‌های تبعیض‌گرایانه جنسیتی، طبقاتی، و... در عده‌ای از مشارکت‌کنندگان وجود دارد؛ برای نمونه، برخی دانشجویان اشاره کرده‌اند که تمایلی به حضور دخترها در گروه دوستانه‌شان ندارند، چون دخترها عامل ازهم‌پاشیدگی گروه‌های دوستانه آن‌ها می‌شوند. آن‌ها در توضیح جزئی‌تر اشاره کرده‌اند که دوستی یک دختر و پسر در گروه، حساسیت افراد را بالا می‌برد و باعث ازهم‌پاشیدگی گروه می‌شود. جالب اینکه در این بین به نقش پسر به عنوان «دوست پسر» توجهی نمی‌شود، یا گروه دوستانه که در آن پسرها معتقدند که حالت نژادپرستانه و مغرورانه‌ای داریم که دخترها در گروهمان وارد نشوند. دیدگاه‌های تبعیض‌آمیز طبقاتی نیز در بین برخی پاسخ‌گویان وجود دارد؛ به عنوان مثال، یکی از دانشجویان بر این نظر است که در تعاملات غیررسمی و دوستانه با دوستانش در محیط دانشگاه، تنها افرادی که ساکن جنوب

شهر تهران هستند حق ورود دارند و اگر غیر از این باشد، سختی ندارند و دغدغه‌ها و سرگرمی‌ها و تفریحات و حتی رفتار و کردار آن‌ها برای ما بی‌معنی و غیرقابل‌پذیرش است. این نوع نگاه در بین برخی دانشجویان تهرانی و شهرستانی نیز دیده شده است؛ تاجایی که یکی از دانشجویان بیان می‌کند که یکی از همکلاسی‌های تهرانی‌اش در اینستاگرام، تمام شهرستانی‌های کلاس را بلاک کرده است. این نگرش در بسیاری از تعاملات دانشجویان دیده می‌شود که نشان‌دهنده عدم مهارت‌آموزی افراد و ضعف نظام آموزشی ما در انتقال مهارت‌های تعاملی به افراد از کودکی و نیز انتقال کلیشه‌های ذهنی توسط جامعه و رسانه‌ها به افراد است.

۶. نتایج برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مهارت‌ها و سبک زندگی دانشجویان از طریق انجام فعالیت‌های فوق‌برنامه متحول می‌شود (پاسکارلا و ترنزینی، ۱۹۹۱، ۴۳-۳۴) و شایستگی‌های کانونی‌ای همچون آمادگی انطباق با تغییرات محیط، تفکر انتقادی، حل مسئله، کار گروهی، فهم فرهنگی، شناخت زمینه‌های اجتماعی و تعهد و اخلاق حرفه‌ای در آن‌ها ارتقا می‌یابد (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۰، ۱۲)، اما نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم این است که در پژوهش ما معنای ذهنی تعداد بسیار بیشتری از دانشجویان از عضویت در اکیپ‌های دوستانه، خوش‌گذراندن و تفریح و گشت‌وگذار با دوستانشان و رفتن به کافه و رستوران و پارک و مسافرت و مهمانی و سینما بوده است تا کسب مهارت‌ها و توانمندی‌های فردی‌ای مانند تفکر انتقادی، حل مسئله، فهم فرهنگی، افزایش ایده و خلاقیت، و...، اما کسب مهارت‌های تعاملی با داشتن تعداد گزاره‌های بیشتر، نشان‌دهنده احساس نیاز این قشر به یادگیری اموری است که تا پیش از ورود به دانشگاه در محیط خانواده و مدرسه نیاموخته‌اند و کج‌دارومریز تا دوران دانشجویی طی کرده‌اند و امید دارند که با ورود به دانشگاه و عضویت در اکیپ‌های دوستانه، مهارت‌های تعاملی را کسب کنند، اما بسیاری از دانشجویان، از هم‌گسیختگی گروه‌های دوستانه و ایجاد مشکلات و بحث‌و‌جدل‌ها را ناشی از نداشتن مهارت تعاملی در میان دوستانشان می‌دانند؛

۷. حوزه رسمی دانشگاه همیشه کمبودهایی دارد و به دلیل دوری مسئولان از زندگی و نیازها و مطالبات کم‌هزینه و ساده دانشجویان و ایجاد حصاری نامرئی میان مسئولان و دانشجویان، از آن‌ها بی‌اطلاع می‌مانند. برخورد دانشجویان با این اتفاق، متفاوت است.



تعدادی از آن‌ها احساس سرخوردگی، افسردگی، و ناکامی می‌کنند و آن قبلهٔ آمال و آرزوها و بت بزرگی که از دانشگاه در ذهن داشتند، می‌شکند. تعدادی راه بی‌تفاوتی و بی‌خیالی را در پیش می‌گیرند و حتی ممکن است به لحاظ تحصیلی نیز دچار افت شدید شوند. شماری از دانشجویان سعی می‌کنند این کسری و کمبودها را در حوزه غیررسمی دانشگاه و از طریق تعامل با دوستانشان و دانشجویانی که دغدغه‌های یکسانی با آنان دارند، «جبران» کنند؛ به این ترتیب، آن‌ها از یک سو دوران دانشجویی را برای خود تلطیف و لذت‌بخش‌تر می‌کنند و از سوی دیگر، از نظام رسمی دانشگاه و نظارت آن می‌گریزند. جمله‌هایی مانند «فرار از جو فرمال دانشگاه خیلی خوبه»، «اگه این اکپ‌ها حالت رسمی بگیره، همه پس می‌زنند»، و «فعالیت‌هایی که توی سیستم رسمی امکانش نیست، توی گعده‌های خودمون انجام می‌دیم»، از معانی‌ای هستند که دانشجویان به اکپ‌های دوستانه خود می‌دهند و با ابراز نارضایتی از فضای رسمی و آموزشی دانشگاه، تلاش می‌کنند از این فضا فاصله بگیرند و بخش عمدهٔ اوقات فراغت خود را در تعاملات غیررسمی و در جمع‌های دوستانه‌شان پر می‌کنند.

یافته‌ها و نتایج این پژوهش گویای این است که تغییرات مهمی در معنای ذهنی دانشجویان در قالب گروه‌ها و تعاملات غیررسمی دانشجویی رخ می‌دهد که باید در سطوح کلان و خرد به آن‌ها توجه شود. در سطح کلان، هرچه دانش و اطلاعات نهاد آموزش عالی و دانشگاه از محیط غیررسمی و بیرونی دانشگاه بیشتر باشد، سیاست‌های راهبردی تری اتخاذ خواهد شد. همچنین، در سطح خرد، دانشکده‌ها و گروه‌های علمی با شناخت این معانی می‌توانند در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی خود ضمن گسترش معانی مثبتی که دانشجویان در قالب تعامل گروهی به دست آورده‌اند، بر سیاست‌های رسمی و افزایش جذابیت تحصیل در دانشگاه و پر کردن خلأهای موجود، تأثیرگذار باشند؛ برای مثال، گروه‌های آموزشی می‌توانند در کسب توانمندی‌ها و مهارت‌های فنی، تخصصی، و ذهنی‌ای مانند اعتمادبه‌نفس، خودکارآمدی، توانایی حل مسئله، مهارت‌های تعاملی، و... را که دانشجویان به‌عنوان یک امتیاز تعامل و حضور در گروه‌های غیررسمی می‌دانند را به‌عنوان برنامه‌ریزی رسمی و اصلی خود دنبال کنند. متأسفانه تعداد زیادی از دانشجویان مورد پژوهش در این تحقیق، قائل به وجود احساس همدمی مسئولان دانشگاه با دانشجویان نبودند و حتی از «اذیت کردن»، «سنگ انداختن»، «نامید کردن»، و... در رویارویی مسئولان با فعالیت‌های غیررسمی و



خودجوش دانشجویان گلایه داشتند و حتی گاهی احساس سرخوردگی و افسردگی خود را از این نوع برخورد در محیط دانشگاه بیان می‌کردند. برخی از دانشجویان بر این نظر بودند که استادان زیادی داریم که با ما همراه هستند و ما را به داشتن تعاملات و تشکیل اکیپ‌های دانشجویی تشویق می‌کنند، اما در مقابل، تعدادی از استادان ترجیح می‌دهند ما تنها به کلاس درس بیاییم و پس از آن نیز بی‌سروصدا به خانه برگردیم؛ این نوع تفکر و «مزاحم دانستن فعالیت‌های فوق‌برنامه» در میان استادانی که در دانشگاه مسئولیت مدیریتی دارند، بیشتر دیده می‌شود. با نگاهی منصفانه می‌توان نگرانی مسئولان دانشگاه از آسیب‌ها را درک کرد، اما بدون شک، همدلی، هم‌زبانی، و نزدیکی هرچه بیشتر مسئولان دانشگاه با دانشجویان و شناخت دنیای ذهنی آن‌ها می‌تواند علاوه بر اینکه سطح آموزش را در دانشگاه بالاتر ببرد، از آسیب‌های احتمالی گروه‌های غیررسمی دانشجویان نیز تا حد زیادی خواهد کاست. هرچند باید پذیرفت که تعداد افراد مورد مطالعه در این پژوهش محدود بوده و گردآوری اطلاعات در یک دانشگاه انجام شده است؛ بنابراین، نمی‌توان نتایج را به دانشجویان سراسر کشور تعمیم داد، با این حال، ما معتقدیم که این نتایج تا اندازه زیادی بازتاب‌دهنده واقعیت‌های موجود در دانشگاه‌های کشور است.



## منابع

- ابراهیمی، روناک؛ عدلی، فریبا؛ و مهران، گلنار (۱۳۹۴). نقش فرهنگ دانشگاهی بر دانش آفرینی از دیدگاه صاحب نظران حوزه آموزش عالی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. ۲۱(۱)، ۱۲۷-۱۵۱.
- ذاکرسالچی، غلامرضا؛ و نظریان، زهرا (۱۳۹۳). جایگاه فرهنگ دانشگاهی و الزامات نهادی علم در زندگی دانشجویی. فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی. ۱(۳)، ۳۳-۶۹.
- ذکایی، محمدهسید؛ و اسماعیلی، محمدجواد (۱۳۹۰). جوانان و بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. ۴(۴)، ۵۵-۹۰. doi: 10.7508/IJCR.2011.16.003
- شارع‌پور، محمود؛ صالحی، صادق؛ و فاضلی، محمد (۱۳۸۰). بررسی میزان شایستگی‌های کانونی در میان دانشجویان. دوفصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی. ۹(۱۸)، ۶۳-۸۸.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله؛ قادری، صلاح‌الدین (۱۳۸۸). ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. ۲(۴)، ۳۵-۶۶. doi: 10.7508/IJCR.2009.08.002
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۳). ابعاد و لوازم فرهنگی صنعت دانش. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۸). دانشگاه و آموزش عالی؛ منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی. تهران: نشرنی.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی (مترجم: هادی جلیلی). تهران: نشر نی. (تاریخ اصل اثر ۲۰۰۶)
- قانع‌ی‌راد، محمدمامین (۱۳۸۵). تعاملات و ارتباطات در جامعه علمی بررسی موردی در رشته علوم اجتماعی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- قانع‌ی‌راد، محمدمامین؛ و ابراهیم‌آبادی، حسین (۱۳۸۹). تأثیر ساختار اجتماعی آموزش بر عملکرد دانشجویان. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران. ۲(۴)، ۱-۲۷.
- کرسول، جان (۱۳۹۱). پویای کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (مترجم: حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی). تهران: انتشارات صفار. (تاریخ اصل اثر ۲۰۰۷)
- مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۷). زیست‌جهان دانشجویان: به سوی چندگانگی؛ مطالعه موردی دانشگاه صنعتی امیرکبیر. فصلنامه تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، ۵۹، ۲۱۱-۱۷۱.
- هندریکسون، رابرت. ام.؛ جیسون ان. لان، جیمز تی. هریس؛ ریچارد اج. دورمن (۱۳۹۵). راهبری و رهبری علمی در نظام آموزش عالی (مترجم: سعید غیاثی ندوشن و رضا مهدی) تهران: نشر ویرایش. (تاریخ اصل اثر ۲۰۱۳)

Austin, A.E. (1990). Faculty cultures, faculty values. *New Directions for Institutional Research*, 68, 61-74. doi: 10.1002/ir.37019906807



فصلنامه علمی پژوهشی

۶۶

دوره ۱۱، شماره ۳  
پاییز ۱۳۹۷  
پیاپی ۴۳



- Chickering, A.W. & Reisser, L. (1993). *Education and Identity* (2 ed.). San Francisco: Jossey-Bass Publishers.
- Janson, D.W., Janson, R.T, & Holubec, E.J (1993). *Circles of learning: cooperation in the classroom* (3<sup>rd</sup> & 4<sup>th</sup> eds.). Edina, Minn: Interaction Book Company.
- Pascarella, E.T., & Terenzini, P.T. (1991). *How college affects student*. San Francisco: Jossey-Bass Publishers.
- Patto, M.Q. (2002). *Qualitative evaluation and research methods* (3<sup>rd</sup> ed.). London: SAGE.
- Patton, L.D., Renn, K.A., Guido, F.M., Quaye, S.T., & Evans, N.J. (1998). *Student development in college: theory, research and practice*. San Francisco: Jossey-Bass Publishers.
- Reber, A.S. (1993). *Implicit learning and tacit knowledge: an essay on the cognitive unconscious*. Oxford: Oxford University Press.
- Shen, X., & Tian, X. (2012). Academic culture and campus culture of universities. *Higher Education Studies*, 2(2), 61-65.
- Theelin, J.R. (1999). Student cultures. In B.R. Clark, & G.R. Neave (eds.), *The encyclopedia of higher education* (Vol. 3; Pp.1709-1719), US: Oxford press.
- Van Manen, M., & Researching Lived Experience (1990). *Human science for an action sensitive pedagogy*. London (Canada): Althouse Press.
- Vygotsky, L.S., (1978). *Mind in society*. Cambridge, Mass: M.I.T. Press
- Watkins, D. (1992). Faculty and student interaction. In B.R. Clark & G.R. Neave (eds.), *The Encyclopedia of Higher Education* (Vol. 3; pp. 1605-1614), US: Oxford Press.
- Wenger, E., (1998). *Communities of practice: Learning, meaning and identity*, Cambridge: Cambridge University Press.